



پژوهشنامه ایرانی سیاست بین الملل، دوره ۱۱، شماره ۲، شماره پیاپی ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲

دوره انتشار: دوفصلنامه • شاپا چاپی: 3472-2322 • شاپا الکترونیک: 3402-2717

doi <https://doi.org/10.22067/irlip.2022.72642.1156>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۵

اصول شکلی حاکم بر بهره‌برداری از حوضه دجله و فرات

اعظم امینی^۱، محمد عابدی^۲، الناز نساری^۳

چکیده

اصول شکلی با ارائه چارچوب هنجاری لازم برای اجرای تعهدات ماهوی، نقش مهمی در تنظیم حقوق آب دارند و به جلوگیری از بروز اختلافات نیز کمک کنند. مهم‌ترین این اصول عبارتند از: اصل همکاری، اصل ارزیابی زیست‌محیطی، اصل اطلاع‌رسانی، و مشورت با کشورهای آسیب‌دیده. اصول یادشده افزون بر اینکه در زمره قواعد عرفی به‌شمار می‌آیند، در برخی از کنوانسیون‌های بین‌المللی، اسناد بین‌المللی، و توافق‌های دوجانبه نیز مطرح شده‌اند. ارزیابی این تعهدات و رویه دولت‌های کناره دجله و فرات نشان می‌دهد که با وجود عضویت این دولت‌ها در برخی از اسناد و نهادهای بین‌المللی و توافق‌های دوجانبه، در عمل، رویکرد مؤثر و پایداری برای اجرای جامع این اصول وجود ندارد و عدم همکاری در اجرای تعهدات شکلی، در تحقق تعهدات ماهوی این حوضه آبریز - از جمله تعهد به بهره‌برداری منصفانه و متعارف و عدم آسیب‌رسانی - تأثیر منفی داشته است.

مقاله پژوهشی

واژگان کلیدی:

حوضه آبریز دجله و فرات، اصول شکلی، تعهد به همکاری، تعهد به ارزیابی زیست‌محیطی، تعهد به اطلاع‌رسانی و مشورت



۹۹

اصول شکلی حاکم بر
بهره‌برداری از حوضه
دجله و فرات

۱. استادیار حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)
amini.az@um.ac.ir ORCID ID 0000-0003-3580-8459

۲. استادیار حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران،
dr.m.abedi@um.ac.ir ORCID ID 0000-0002-0815-8406

۳. دانش‌آموخته دکتری، پژوهشگر و مدرس حقوق بین‌الملل دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
e.nasari@um.ac.ir ORCID ID 0000-0001-07295-3503

Procedural Principles Ruling the Utilization of Tigris-Euphrates River Basin

Azam Amini⁴

Mohammad Abedi⁵

Elnaz Nesari⁶

Abstract

Procedural Principles Ruling the Utilization of Tigris-Euphrates River Basin
Procedural principles represent a normative framework and play a notable role in regulating water law. In addition, procedural principles could help in preventing the occurrence of disputes. Cooperation, evaluation of environmental impacts and the principle of information and consultation with related countries are the most important procedural principles. These obligations reflect customary rules of law and also are specified in many bilateral, multilateral and international documents. Considering procedural principles together with the practice of Tigris-Euphrates basin countries illustrates that although the neighbouring countries are members of multiple international and bilateral agreements and organs, but in practice the region lacks an effective and sustainable approach in implementing the procedural obligations, which has been led to negative impacts on substantial obligations such as no harm and equitable and reasonable utilization.

Keywords: Tigris and Euphrates basin, Procedural Principles, Obligation to Cooperation, Obligation to Evaluate Environmental Impacts, Obligation to Information and Consultation

4 . Assistant Professor, Assistant Professor of Public International Law, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Email amini.az@um.ac.ir, ORCID ID 0000-0003-3580-8459

5 . Assistant Professor of Private Law, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. dr.m.abedi@um.ac.ir, ORCID ID 0000-0002-0815-8406

6 . PhD. in Public International Law, Researcher in Ferdowsi University of Mashhad, Faculty of Law and Political Science, Mashhad, Iran. e.nasari@um.ac.ir ORCID ID 0000-000107295-3503



۱۰۰

پژوهشنامه ایرانی
سیاست بین الملل

دوره ۱۱، شماره ۲، شماره
پیاپی ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲

مقدمه

جداسازی تعهدات شکلی و ماهوی، مسئله‌ای بسیار چالش برانگیز است؛ به‌ویژه در مورد مسائل مربوط به آب‌های بین‌المللی که بر پایه آن، برخی تعهدات ماهوی، از جمله تعهد به استفاده منصفانه و منطقی و نیز تعهد به عدم ورود زیان جدی، به‌خودی‌خود دربردارنده روش کار هستند.

نباید تصور کرد که تعهدات شکلی، اهمیتی کمتر از تعهدات ماهوی دارند؛ زیرا، هر دو از جمله تعهدات حقوق بین‌الملل به‌شمار می‌آیند که نقض آن‌ها سبب ایجاد تعهدات ثانویه از جمله توقف نقض و نیز جبران متناسب می‌شود (McCaffrey, 2019, 524). حوضه آبریز دجله و فرات، که کشورهای ترکیه، سوریه، عراق، و ایران در آن قرار دارند، از اهمیت منطقه‌ای و جهانی برخوردار است و امروزه مسئله بهره‌برداری از آبراه‌های فرامرزی دجله و فرات، جنبه سیاسی و امنیتی یافته است. ساخت سدهای با ظرفیت بیشتر از آورد در رودخانه، استفاده بیش از حد استاندارد از آب‌های زیرزمینی، و کاهش یا قطع آب‌های وارد شده به تالاب‌های جنوب این حوضه، پیامدهای زیست‌محیطی و اجتماعی گوناگونی داشته و پایبندی دولت‌های کناره را به همکاری مؤثر و پایدار در ارزیابی زیست‌محیطی، اطلاع‌رسانی، و تبادل آمار و اطلاعات و مشورت می‌طلبد.

دولت‌های کناره، متعهد به مشارکت در استفاده، توسعه، و حفاظت از آبراه بین‌المللی به‌شبهه‌ای منصفانه و متعارف هستند. چنین تعهدی این حق ذاتی را برای هر یک از دولت‌های کناره فراهم می‌کند که از دولت‌های دیگر کناره درخواست همکاری داشته باشد. همچنین، میان تعهد به همکاری و تعهد به پرهیز از ورود زیان عمده، ارتباط نزدیکی وجود دارد و دولت‌ها ملزم به انجام اقدامات مقتضی برای پیشگیری از ورود زیان عمده هستند. دولت‌های کناره متعهد به همکاری برای پیشگیری، کاهش یا حذف تمام آثار زیان‌بار ناشی از یک اقدام اضطراری هستند و باید طرح‌های احتمالی را برای واکنش در برابر شرایط اضطراری به‌گونه‌ای مشترک توسعه دهند. سه کشور ترکیه، سوریه، و عراق از رودهای دجله و فرات برای آبیاری و تولید انرژی بهره‌ بیشتری برده و همکاری‌های بیشتری را در این حوضه تجربه کرده‌اند. اما متأسفانه وضعیت سیاسی و امنیتی منطقه به‌گونه‌ای بوده است که با گذر زمان، همکاری‌ها و پایبندی به اجرای تعهدات شکلی، گسترش نیافته است.

افزون بر همکاری، تعهد به ارزیابی زیست‌محیطی و تعهد به اطلاع‌رسانی، تبادل آمار اطلاعات، و مشورت با کشورهای آسیب‌دیده از دیگر اصول شکلی تأثیرگذار بر بهره‌برداری از حوضه‌های آبی فرامرزی به‌شمار می‌آیند. فقدان سندی چندجانبه و الزام‌آور بین کشورهای حوضه دجله و فرات، سبب درپیش گرفتن رویکردی چندگانه شده است؛ به‌گونه‌ای که کشورهای بالادست،



درصد بهره‌برداری حداکثری و کشورهای پایین دست با انتقاد از این رویکرد، قائل به ضرورت تعامل حداکثری در این حوضه بوده‌اند. شناخت اصول شکلی حاکم بر بهره‌برداری از حوضه و نیز بررسی جایگاه حقوقی آن‌ها از جنبه الزام‌آوری، در تعیین حقوق و تکالیف کشورهای کناره و نیز ارائه رویکرد اجرایی مناسب برای حل معضلات حوضه مؤثر خواهد بود.

۱. روش پژوهش

هدف مقاله حاضر، بررسی تعهدات شکلی کشورهای کناره حوضه آبریز رودخانه‌های دجله و فرات است. در این پژوهش، که به روش توصیفی و تحلیلی و با مطالعه کتاب‌ها و مقاله‌ها و گردآوری داده‌های گوناگون از منابع معتبر علمی و نیز اسناد و داده‌های مختلف سازمان‌های بین‌المللی انجام شده است، هر یک از تعهدات شکلی، یعنی تعهد به همکاری، تعهد به ارزیابی زیست‌محیطی، و تعهد به اطلاع‌رسانی، مشورت، تبادل آمار و اطلاعات به گونه‌ای جداگانه مطالعه شده و در هر بند، پس از تبیین منابع و مفهوم تعهدات یادشده، میزان پایبندی دولت‌های حوضه دجله و فرات ارزیابی شده است.

۲. اصل همکاری

رودخانه‌های بین‌المللی، دو ویژگی مشترک دارند؛ نخست اینکه از آن‌ها برای کشتیرانی استفاده می‌شود و دیگر اینکه، بخش جدایی‌ناپذیر قلمرو سرزمینی کشور یا کشورهایی هستند که از آن‌ها می‌گذرند؛ بنابراین، دو اصل حاکمیت سرزمینی کشور ساحلی و اصل آزادی ارتباطات بر آن‌ها حاکم است. هر آبراه بین‌المللی، افزون بر پیروی از اصول و نظام عام حقوق بین‌الملل، تابع نظام ویژه‌ای است که در اسناد معاهده‌ای یا عرف منطقه‌ای مشخص می‌شود. با توجه به اینکه اصلی‌ترین کارکرد اقتصادی آبراه‌های خاورمیانه، نخست، آبیاری و سپس تولید نیروی برق است، به جز چند استثنا، معاهدات دوجانبه لازم‌الاجرا به گونه‌ای جامع به شکل‌های دیگر استفاده از آبراه‌ها از جمله محیط زیست رودخانه-نپرداخته‌اند. البته از آنجا که معاهده مربوط به استفاده‌های غیرکشتیرانی از آبراه‌های بین‌المللی، سند مهم و در بسیاری موارد بازتاب‌دهنده عرف بین‌المللی است، می‌تواند به عنوان اصول ناظر بر ابعاد زیست‌محیطی رودخانه‌های مشترک به‌شمار آید (Piltan and Sedigh Bathaei Asl, 2017, 99-101).

به‌طور کلی، تعهدات زیست‌محیطی، به دلیل ویژگی فرامرزی، با حقوق بین‌الملل پیوند خورده‌اند. چالش‌های زیست‌محیطی در قلمرو یک دولت می‌تواند بر کشورهای دیگر تأثیرگذار بوده و حل مسائل زیست‌محیطی، نیازمند تحقق همکاری بین‌المللی است. همکاری بین‌المللی، مستلزم بهره‌برداری منطقی و عاقلانه از سرزمین و مدیریت منابع مشترک همچون منابع آبی فرامرزی و بین‌المللی، تغییرات آب‌وهوایی، و تنوع زیستی است. در ادامه، منابع تعهد به همکاری و مفهوم تعهد به همکاری، بررسی، و این تعهد در حوضه دجله و فرات ارزیابی شده است.

۱-۲. منابع تعهد به همکاری



الزام دولت‌ها به همکاری، ریشه در حقوق بین‌الملل عمومی دارد و وجود معاهدات زیست‌محیطی پرشمار دوجانبه، چندجانبه، منطقه‌ای، و جهانی، نیاز به همکاری با دولت‌های دیگر را در حوزه محیط زیست نمایان می‌کند.

«اصل» تلقی کردن «تعهد به همکاری» به این سبب است که هر چند دولت‌ها حاکمیت مستقلی دارند، ولی حقوق بین‌الملل محیط زیست، الزام کلی به همکاری با دولت‌های دیگر را به‌عنوان یک اصل در راستای برطرف کردن مشکلات مربوط به جامعه بین‌المللی، مورد توجه قرار داده است. بر پایه این اصل، دولت‌ها وظیفه دارند در همه شرایط و با حسن نیت، برای حفاظت از محیط زیست با یکدیگر همکاری کنند. در آرا و رویه قضایی بین‌المللی نیز به اصول زیست‌محیطی، از جمله اصل همکاری، استناد شده است و رویه دیوان بین‌المللی دادگستری در این مورد، بسیار اهمیت دارد.^۷

افزون بر منابع پیش گفته، در اسناد حقوق نرم نیز پیوسته بر تعهد به همکاری تأکید شده و اعلامیه‌های بین‌المللی و قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد^۸ به تعهد به همکاری اشاره کرده‌اند. افزون بر این، اصل ۲۴ اعلامیه استکهلم (۱۹۷۲)، وجود روحیه همکاری میان اعضا را، در راستای رسیدگی به موضوعات بین‌المللی، از جمله حفاظت محیط زیست، ضروری می‌داند. در واقع، حفاظت از محیط زیست، می‌تواند زمینه‌ساز حق و تکلیف برای اعضای جامعه بین‌المللی باشد. در اجرای این حق و تکلیف، اصول و قواعدی قابلیت اجرایی خواهند یافت و به دلیل اینکه همه دولت‌ها بدون استثنا در آن سهیم خواهند بود، در قالب حقوق بین‌الملل عرفی نمایان می‌شود (Poorhashemi et al., 2013, 73). اصل همکاری بین‌المللی

۷. دیوان، در قضیه گابسیکوو ناگیماروس ۱۹۹۷ تصدیق می‌کند که دولت اسلواکی به دلیل «عدم همکاری براساس حسن نیت» تعهدات خود، با عنوان حقوق بین‌الملل را نقض کرده است. همچنین، در اختلاف دولت آرژانتین با اروگوئه، به اصول مختلفی از حقوق بین‌الملل محیط زیست اشاره کرد و ماهیت کمیسیون اداره رودخانه اروگوئه را برای تحقق تعهد به همکاری مطرح شده در ماده ۱ اساسنامه، مفید دانست. افزون بر این، دیوان، تعهد به اطلاع‌رسانی به کمیسیون را زمینه‌ساز همکاری میان اطراف معاهده می‌داند. در قضیه ماکس (ایرلند علیه انگلیس)، رأی دیوان بین‌المللی حقوق دریاهای در سوم دسامبر ۲۰۰۱ نشان داد که به لحاظ قانونی، تعهد به همکاری می‌تواند قابل اجرا باشد. در قضیه تریل اسملتر، دیوان داوری درباره آلودگی فرامرزی این گونه استدلال می‌کند که اطراف اختلاف، بایستی با یکدیگر همکاری کنند تا مسائل مربوط به خسارت ناشی از آلودگی هوای به وجود آمده از کارخانه تریل اسملتر را به گونه‌ای مشترک حل و فصل کنند. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به: (Poorhashemi et al., 2013, 71-76; Zarei et al., 2017, 198-204).

۸. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در بسیاری از قطعنامه‌های خود به الزام دولت‌ها به همکاری بین‌المللی در زمینه محیط زیست اشاره کرده است؛ افزون بر قطعنامه شماره (۱۹۷۲) (۱۹۷۲) (۲۹۹۵) با عنوان همکاری میان دولت‌ها در زمینه محیط زیست، قطعنامه (۱۹۷۲) (۱۹۷۲) با عنوان «اتخاذ ترتیبات مالی و ترویجی در راستای همکاری بین‌المللی زیست‌محیطی، قطعنامه (۱۹۷۳) (۱۹۷۳) (۳۱۲۹) با عنوان «همکاری زیست‌محیطی در زمینه منابع طبیعی مشترک میان دو یا چند کشور»، و قطعنامه شماره (۱۹۷۶) (۱۹۷۶) (۱۱۲/۳۱) با عنوان «اتخاذ ترتیبات نهادی در راستای همکاری بین‌المللی زیست‌محیطی»، قطعنامه‌های دیگری نیز در سال‌های ۱۹۸۹ و ۱۹۸۷، ۱۹۸۵، ۱۹۸۳، ۱۹۸۲، ۱۹۸۱، ۱۹۸۰، ۱۹۷۹، ۱۹۷۸ درباره همکاری زیست‌محیطی تصویب شده‌اند. همچنین، چندین قطعنامه برای همکاری بین‌المللی در راستای استفاده صلح‌آمیز از فضای ماوراء جو وجود دارد.



با توجه به ویژگی هایش می تواند با بیشتر اصول بنیادین و مفاهیم حقوق محیط زیست ارتباطات نزدیکی داشته باشد، اما با برخی از آن ها ارتباط و همسویی بیشتری دارد؛ به عنوان نمونه، اصل حفاظت از محیط زیست و اصل استفاده منطقی و عاقلانه از سرزمین، بیشترین ارتباط را با اصل همکاری دارند.^۹

بسیاری از قواعد عرفی حقوق بین الملل محیط زیست در رویه دولت ها شکل می گیرند و تعهد به همکاری نیز، از جمله قواعدی است که ریشه در حقوق بین الملل عرفی دارد. بر این اساس، «همکاری»، اصلی است که همه دولت ها (عضو کنوانسیون های زیست محیطی باشند یا نباشند) ملزم به رعایت آن هستند؛ بنابراین، با اینکه مصداق های تعهد به همکاری بین المللی در اسناد الزام آور و غیر الزام آور مطرح شده است، ولی به نظر می رسد که مبنای حقوقی این تعهد، عرف است و بیان مصداق های آن در حقوق بین الملل محیط زیست، ناظر بر شیوه ها و روش های اجرای تعهد به همکاری است. تعهد دولت های کناره حوضه دجله و فرات به همکاری نیز افزون بر اینکه از قواعد عرفی حقوق بین الملل به شمار می آید، در برخی کنوانسیون های بین المللی، اسناد بین المللی، و توافق های دوجانبه نیز مطرح شده است.

به موجب بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره بهره برداری غیرکشتریانی از آبراهه های بین المللی^{۱۰} «دولت های کناره باید بر مبنای حاکمیت برابر، تمامیت سرزمینی، منافع مشترک، و حسن نیت با یکدیگر همکاری کنند تا به بهره برداری بهینه و حفاظت شایسته از یک آبراهه بین المللی دست یابند». ماده ۵ «کنوانسیون تنوع زیستی^{۱۱}» نیز همکاری و مشارکت در موضوعات فرامرزی را در نظر داشته و «کنوانسیون مبارزه با بیابان زایی^{۱۲}» در موارد پرشماری بر ضرورت ارتقای همکاری در سطوح فراملی، منطقه ای، و بین المللی تأکید کرده است.^{۱۳} ماده ۵ این کنوانسیون، مقرر می دارد که دولت ها با هدف دستیابی به توسعه پایدار، مبارزه با بیابان زایی، و کاهش اثرات آن را در اولویت قرار دهند.

بر پایه دستورالعمل های مربوط به همکاری بین المللی در کنوانسیون رامسر، که چهار کشور کناره حوضه دجله و فرات به آن پیوسته اند، طرف ها ملزم به شناسایی همه حوزه های مشترک تالابی (از جمله تالاب های واقع در مناطق کناره) و همکاری در مدیریت این زیست بوم ها با

۹. دولت ها می توانند از محیط زیست سرزمین خودشان استفاده کنند، ولی این استفاده بایستی به گونه ای منطقی و عاقلانه باشد.

۱۰. Convention on the Law of the Non-navigational Uses of International Watercourses . (۱۹۹۷)

گفتنی است، از بین کشورهای حوضه آبریز دجله و فرات، دو کشور عراق و سوریه به این معاهده پیوسته اند.

۱۱. Convention on Biological Diversity (CBD)

۱۲. United Nations Convention to Combat Desertification (UNCCD)

۱۳. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: مواد ۳، ۴ (بند الف)، ۵ و ۷ از کنوانسیون یادشده.

کشورهای مجاور هستند. همان‌گونه که طرف‌ها ملزم به شناسایی و همکاری در مدیریت تالاب‌های مشترک و بین‌المللی هستند، انتظار می‌رود که همکاری‌های مشابهی برای حوضه‌های آبریز رودخانه‌های بین‌المللی و فعالیت‌های ساحلی دنبال شود. ایجاد کمیسیون‌های مدیریتی چنددولتی، پیشنهاد مناسبی برای کشورهایی است که دارای حوضه آبریز مشترک هستند و باید به‌شدت آن‌ها را در نظر گرفته و دنبال کنند^{۱۴}. تجربه نشان داده است که این موارد، سازوکارهای مؤثری برای ارتقای همکاری بین‌المللی در راستای مدیریت منابع آبی از جمله تالاب‌هایی هستند که بخشی از این حوضه‌های آبریز رودخانه را تشکیل می‌دهند^{۱۵}.

همچنین، توافق‌نامه‌هایی بین برخی کشورهای کناره حوضه امضا شده است؛ به‌عنوان نمونه، می‌توان به سه «تفاهم‌نامه^{۱۶}» امضا شده بین ترکیه و کشورهای همسایه در سال ۲۰۰۹ اشاره کرد که با متنی به‌نسبت همسان تنظیم شده‌اند و طرفین به توافق‌هایی در زمینه تعهد به همکاری و مصداق‌های آن رسیده‌اند. در این میان، دو تفاهم‌نامه بین ترکیه و سوریه امضا شده است که مورد نخست، «در زمینه استفاده مؤثر از منابع آبی و مبارزه با خشکسالی^{۱۷}» و دیگری در زمینه «اصلاح کیفیت آب^{۱۸}» است. هر دو سند بر اهمیت توسعه پایدار و ضرورت همکاری بین طرفین برای حفاظت از منابع طبیعی تأکید دارند. تفاهم‌نامه سوم که بین ترکیه و عراق امضا شده است، افزون‌بر ضرورت همکاری، به انتقال دانش، فناوری، و تجربه‌های موجود برای حفاظت و استفاده از منابع آبی تأکید دارد^{۱۹} (Kirschner and Tiroch, 2012, 357).

در ماده ۱ توافق‌نامه ترکیه و عراق، به لزوم انتقال دانش، تجربه، و فناوری و افزایش همکاری‌ها برای محافظت و استفاده مؤثر از منابع آب به‌گونه‌ای منصفانه، متقابل، و همراه با منافع دوجانبه

۱۴. ریزگردها، یکی از مشکلات حاد حوضه آبریز دجله و فرات به‌شمار می‌آیند که در پی خشک شدن تالاب‌های واقع شده در حوضه یادشده، پیامدهای زیست‌محیطی و اجتماعی چشمگیری در جنوب شرقی عراق و غرب ایران داشته‌اند. برای مقابله با ریزگردها اعلامیه وزیران در همایش بین‌المللی تهران، با یادآوری این نکته که ریزگردها یک چالش دلهره‌آور برای توسعه پایدار کشورهای در معرض آسیب، به‌ویژه در آسیا و آفریقا به‌شمار می‌آیند، مقرر می‌دارد که باید همکاری‌های فوری‌ای برای مقابله با این پدیده در سطوح ملی، منطقه‌ای، و جهانی انجام شود. بر این اساس، کشورها توافق کردند که برای مقابله با ریزگردها در سطوح زیرمنطقه‌ای، منطقه‌ای، و بین‌المللی همکاری‌های لازم را در چارچوب تبادل دیدگاه‌ها و نظرات کارشناسی و فنی، چارچوب حقوقی و نهادی ملی و افزایش آگاهی درباره تأثیرات ریزگردها، ارتقای مشارکت جهانی، ارتقای مدیریت پایدار و استفاده پایدار از آب، تقویت فعالیت‌های پژوهشی، تشویق همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، و حمایت‌های فنی و مالی از سازمان‌های تابعه ملل متحد، افزایش دهند. برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به:

Tehran Ministerial Declaration on Combating Sand and Dust Storms, 5 July 2017. available at: [https://www.unescap.org/sites/default/files/pre-ods/CDR\(5\)_4E.pdf](https://www.unescap.org/sites/default/files/pre-ods/CDR(5)_4E.pdf) (last accessed 1 Sep 2021).

15. Ramsar Convention Secretariat, 2010. International cooperation: Guidelines and other support for international cooperation under the Ramsar Convention on Wetlands. Ramsar handbook for the wise use of wetlands, 4th edition, vol. 20. Ramsar Convention Secretariat, Gland, Switzerland, pp.10-11.

16. Memorandum of Understanding (MOU)

17. Memorandum of Understanding in the field of Efficient Utilization of Water Resources and Combating Drought

18. Memorandum of Understanding in the field of Remediation of Water Quality

۱۹. البته مدت اعتبار تفاهم‌نامه، ۵ سال بوده است.

اشاره شده و در ماده 2، زمینه‌های همکاری بین طرفین به گونه‌ای گسترده تبیین شده است. ماده سوم توافق‌نامه نیز شیوه همکاری طرفین در زمینه‌های توافق شده در ماده 2 را به تفصیل تبیین کرده است. در توافق‌نامه منعقدشده بین ترکیه و سوریه نیز ادبیاتی مشابه با مواد پیش گفته به کار رفته است.

۲-۲. مفهوم تعهد به همکاری

تعهد عمومی به همکاری، در نتیجه تحقق اصل برابری حاکمیتی، یکپارچگی سرزمینی، و حسن نیت، به عنوان زیربنای قاعده، و نیز از طریق بیان اهدافی که با اجرای این اصل کلی حقوق بین‌المللی آب به دست می‌آید، محقق می‌شود. تأکید بر اصول حقوق بین‌الملل می‌تواند یادآور این مسئله باشد که همکاری، تنها در صورتی معنادار خواهد بود که اصول دیگر نیز مورد احترام واقع شوند. تعهد به همکاری باید در راستای تأمین منافع متقابل دولت‌های کناره آبراه بین‌المللی باشد.^{۲۰}

تعهد عمومی به همکاری در مورد همه دولت‌های کناره اعمال می‌شود. البته، این به آن معنا نیست که همه دولت‌های کناره حوضه همیشه باید در فرایندهای مشارکتی حضور داشته باشند؛ زیرا، چنین کاری در عمل، دشوار خواهد بود. نحوه اجرای تعهد به همکاری به دولت‌های کناره واگذار شده است. حقوق عرفی، دولت‌های حوضه آبریز را ملزم به ایجاد سازوکارهای مشترک نمی‌کند. تعهد دولت‌ها به برقراری سازوکارهای مشترک تنها زمانی ایجاد می‌شود که یک سند حقوقی بین آن‌ها وجود داشته باشد که بتواند مبنای ایجاد تعهد باشد؛ برای مثال، برای طرف‌های کنوانسیون حفاظت و استفاده از آبراه‌های فرامرزی و دریاچه‌های بین‌المللی، چنین تعهدی وجود دارد. این کنوانسیون، نه تنها بر تعهد به ایجاد سازوکارهای مشترک تأکید می‌کند، بلکه فهرستی از وظایف، مانند گردآوری داده‌ها و تبادل اطلاعات را نیز ارائه می‌دهد که این نهادهای مشترک باید انجام دهند.

بند 2 ماده 8 کنوانسیون آبراه‌های بین‌المللی، ایجاد یک سازوکار یا کمیسیون مشترک را مبنایی برای تسهیل همکاری دولت‌های کناره می‌داند. تعداد زیادی از دولت‌های کناره، فرایند همکاری را از طریق ایجاد نوعی سازوکار نهادی دنبال کرده‌اند که زمینه ارتباط متقابل را فراهم می‌کند. دستورکار و ساختار این سازوکارها بسیار متنوع بوده و الزاماً همه دولت‌های حوضه آبریز را دربر نمی‌گیرد؛ زیرا، ماهیت هدفی که سازوکارها برای آن ایجاد شده‌اند، متفاوت است. هدف از ایجاد این سازوکارها می‌تواند محدود و برنامه‌محور باشد، مانند نهاد دومیلتی ایتاپو^{۲۱} که برای بهره‌برداری از قابلیت هیدرولیکی آبشارهای ایگوازو

۲۰. درضمن، با توجه به مداخلت بازیگران غیردولتی (به ویژه نمایندگان کردستان عراق) در نظر گرفتن منافع این بازیگران در حوضه، مورد تأکید است (Gilberto Conde, 2016, pp. 53-54).

21. Agreement between Argentina and Brazil entered into in New York, September 29, 1975.



بین برزیل و پاراگوئه ایجاد شد، یا هدف سازوکار می‌تواند مدیریت گسترده‌تر حوضه آبریز و حتی اختیار یکپارچه‌سازی منطقه‌ای، مانند مورد سازمان پیمان همکاری آمازون^{۲۲}، باشد. این سازوکارها، مانند کمیسیون دائمی ایندوس و کمیسیون رودخانه‌های مشترک هند و بنگلادش^{۲۳}، ممکن است در قالب کمیسیونی متشکل از نماینده‌های ملی باشد که در فاصله‌های منظم دیدار می‌کنند و این کمیسیون‌ها تنها زیر مجموعه‌ای از دولت‌های دارای حوضه‌های آبریز رودخانه‌ای مشترک را دربر می‌گیرند، یا ممکن است مانند کمیسیون‌های حفاظت از رودخانه‌های دانوب و راین، دارای دبیرخانه‌های دائمی فنی باشند. در موارد نادری، مانند سازمان اداره توسعه حوضه رودخانه سنغال^{۲۴}، به این کمیسیون‌ها اختیارات تصمیم‌گیری گسترده‌ای داده می‌شود و حتی ممکن است، مانند کمیسیون مشترک بین‌المللی که مسئول ارتباط بین کانادا و ایالات متحده در مورد آب‌های مرزی‌شان است، دارای کارکردهای قضایی نیز باشد.

گفتنی است، از آنجا که تعهدات شکلی، مقدمه‌ای برای تحقق تعهدات ماهوی هستند و نمی‌توان تعهدات شکلی و ماهوی را به گونه‌ای قاطع از یکدیگر تفکیک کرد، اجرای تعهدات شکلی در راستای بهره‌برداری منصفانه و عاقلانه و عدم آسیب‌رسانی عمده است^{۲۵}. به این ترتیب، میان تعهد عمومی همکاری دولت‌های کناره آبراهه فرامرزی با تعهد به بهره‌برداری منصفانه و متعارف، ارتباط نزدیکی وجود دارد. دولت‌های کناره، متعهد به مشارکت در استفاده، توسعه، و حفاظت از آبراه بین‌المللی به گونه‌ای منصفانه و متعارف هستند و مشارکت دولت‌های کناره در منافع مشترک آبراه فرامرزی، این حق ذاتی را برای هر یک از دولت‌های کناره ایجاد می‌کند که از دولت‌های دیگر کناره درخواست همکاری داشته باشد. همچنین، میان تعهد به همکاری و تعهد به پرهیز از ورود زیان عمده، ارتباط نزدیکی وجود دارد.

جامعه بین‌المللی در راستای افزایش همکاری و مشارکت در منابع آبی مشترک، مفهوم مشارکت منصفانه را به عنوان جزء منطقی بهره‌برداری منصفانه و متعارف در نظر گرفته است؛ زیرا حق داشتن سهم منصفانه و متعارف، به طور هم‌زمان، با تعهد به مشارکت همراه است؛ بنابراین،

22 . Treaty for Amazonian Cooperation, Brasilia, July 3, 1978, 17 ILM p. 1046 (1978)

23 . The Joint Rivers Commission was established in March, 1972 From: Oxford Public International Law (<http://opil.oupilaw.com>).

24 . Convention establishing the Organization for the Development of the Senegal River (OMVS) (1972)

۲۵ . این پرسش مطرح می‌شود که آیا تعهد به استفاده منصفانه و متعارف از آبراه‌ها و منابع آن توسط دولت‌های ذی‌ربط در حقوق بین‌الملل عرفی نیز پذیرفته شده است؟ ممنوعیت وارد کردن «آسیب جدی»، «مهم» یا برجسته، نخستین نشانه مثبت پذیرش این دیدگاه است. در مجموع، می‌توان ادعا کرد که این تعهد بر اثر تکرار در رویه داوری و قضایی بین‌المللی و اسناد بین‌المللی، به تعهدی عرفی تبدیل شده است و کنوانسیون الزام آور بین‌المللی جهانی ۱۹۹۷ نیویورک نیز این قاعده عرفی را با هدف اطمینان یافتن از نوع بهره‌برداری، توسعه، حفاظت، مدیریت و نگهداری از آبراه‌های بین‌المللی و تشویق بهره‌برداری پایدار و بهینه در راستای نگهداری از منابع آبی برای نسل‌های حاضر و آینده تدوین کرده است. این کنوانسیون، مشابه قوانین هلسنکی، اصول همکاری و مذاکره با قصد واقعی برای رسیدن به توافق و استفاده منصفانه و معقولانه از منابع آبی بین‌المللی را به رسمیت شناخته است. (Akbari et al), ۲۰۲۱, (۳۱۱-۳۱۲)

مصادیق همکاری دولت‌های کناره، اقداماتی مانند کنترل سیل و فرسایش، مدیریت آلودگی، تنظیم جریان آب، و حفاظت از سیستم آبراه را دربر می‌گیرد.

۲-۳. ارزیابی تعهد به همکاری در حوضه دجله و فرات

ایران، در میان کشورهای حوضه دجله و فرات، به‌این سبب که با دورود یادشده تنها در قسمت پایانی و هنگام پیوستن آن‌ها به هم با نام اروندرود ارتباط دارد، کمتر در همکاری‌های دو یا چندجانبه شرکت داشته است؛ لیکن، سه کشور ترکیه، سوریه، و عراق، که به‌گونه‌ای گسترده‌تر برای آبیاری و تولید انرژی از رودهای دجله و فرات بهره می‌برند و این بهره‌برداری به‌سرعت درحال افزایش بوده است، همکاری‌های بیشتری را در این حوضه تجربه کرده‌اند. روابط سه کشور اخیر را در مورد مسائل آبی در طول سال‌های 1920 تا 2019 می‌توان به چهار دوره تقسیم کرد: در دوره نخست (سال‌های 1920 تا 1960)، به‌دلیل استفاده کمتر هر یک از کشورها از آب دجله و فرات، روابط این سه دولت همراه با همکاری و تقریباً بی‌تنش بوده است. در این دوره، یک توافق دوجانبه از سوی دولت سوریه (تحت قیمومت فرانسه) با ترکیه و توافق دیگری میان ترکیه و عراق امضا شد. اگرچه طرفین و موضوع توافق‌نامه‌ها با هم متفاوت بودند، اما ویژگی اصلی آن‌ها، محوریت همکاری بوده است.

در دوره دوم (سال‌های 1960 تا 1980)، با افزایش استفاده از آب‌های دجله و فرات، درگیری‌ها بین این سه کشور آغاز شده، اجرای طرح‌های گسترده آبیاری و برق‌آبی ترکیه و سوریه، که مقیاس و ابعاد آب مصرفی آن‌ها متفاوت شده بود، و ایجاد امکانات ذخیره‌سازی جریان آب در بالادست، نگرانی زیادی را در عراق ایجاد کرد. یکی از نکته‌های مهم در این دوره، شروع طرح توسعه منطقه آناتولی جنوب شرقی (گاپ) از سوی کشور ترکیه بود. در این دوره، دولت سوریه تعدادی از سازه‌های خود را بر روی فرات، بنا، و دولت عراق نیز کانال‌های پرشماری را بر روی رودهای دجله و فرات، با هدف انحراف آب و استفاده از آن در کشاورزی، آغاز کرد. (Kibaroglu, 2021).

در دوره سوم (سال‌های 1980 تا 2000)، طرح‌های ذخیره‌سازی آب هر یک از کشورها، به‌ویژه طرح گاپ در ترکیه، مسائل آبی را به موضوعی امنیتی تبدیل کرد. با شدت‌گیری درگیری‌ها و اختلافات سیاسی و آبی، کشورهای کناره دجله و فرات تصمیم گرفتند کمیته فنی مشترکی را تشکیل دهند که این کمیته در سال 1980 توسط ترکیه و عراق تأسیس شد و سوریه نیز در سال 1983 به آن پیوست. این کمیته که در پی شناسایی یک روش معقول و مناسب برای تخصیص آب به سه کشور بود، کار خود را بر مبنای مبادله داده‌های هیدرولوژیکی و هواشناسی طرح‌های توسعه‌ای آینده و برنامه‌های اولیه برای سدهای کاراکایا و آتاتورک آغاز کرد. (Mianabadi and Amini, 2019, 73-74). ترکیه اعلام کرده است که آماده گفت‌وگو درباره برنامه‌های خود



به منظور ایجاد اصول استفاده از دو رودخانه دجله و فرات به عنوان رودهای فرامرزی است^{۲۶}؛ اما سوریه و عراق بر این نظر بودند که باید توافق نامه‌ای منعقد شود که حجم آب ثابتی را در اختیار آن دو کشور قرار دهد و از ترکیه خواستند آب ورودی به سوریه را از 500 متر مکعب بر ثانیه به 700 متر مکعب بر ثانیه افزایش دهد که ترکیه آن را رد کرد. به هر روی، کمیته فنی مشترک در دستیابی به اهداف خود موفق نبود؛ اما روش مفیدی را برای ارتباطات و تبادل اطلاعات و مذاکره ایجاد کرد. به همین دلیل، کمیته فنی مشترک در سال 2000 احیا شد. اگرچه جلسه‌های این کمیته، سه‌جانبه بود، نتایج آن به تنظیم دو موافقت‌نامه دو جانبه انجامید. نخستین توافق‌نامه دو جانبه بین ترکیه و سوریه در جلسه کمیسیون مشترک اقتصادی در تاریخ 17 ژوئیه 1987 امضا شد. این توافق‌نامه، یک توافق موقت بود و تنها به مسائل مربوط به آب اختصاص نداشت، اما چندین ماده مربوط به مسائل آبی نیز در آن به تصویب رسید (Kibaroglu, 2015). ترکیه متعهد شد که در دوره پر شدن سد آتاتورک، میانگین سالیانه جریان حداقلی 500 مترمکعب بر ثانیه را به سوی مرز ترکیه و سوریه رها کند و در مواردی که جریان ماهانه، پایین‌تر از این سطح باشد، این تفاوت را در ماه بعد جبران کند و سوریه نیز متعهد شد که به ایجاد امنیت در منطقه کمک کرده و از حمایت گروه‌های ضدترکیه بپرهیزد (Kirschner and Tiroch, 2012, 351).

همچنین، دو کشور در مورد همکاری با عراق برای یافتن راه حل دائمی برای رودخانه دجله و فرات (ماده 7)، سرعت بخشیدن به تشکیل کمیته فنی مشترک (ماده 8)، و همکاری در ساخت و اجرای طرح‌های برق آبی و آبیاری (ماده 9) به توافق رسیدند. در سال 1989، عراق و سوریه با امضای توافق‌نامه‌ای درباره مقدار برداشت آب از رودخانه فرات به توافق رسیدند و موافقت کردند که از هر مقدار آبی که ترکیه به سوی سوریه آزاد می‌کند، 42 درصد را سوریه

۲۶. پرسشی که در مورد دو رودخانه دجله و فرات مطرح شده است، به هم معنا بودن یا متفاوت بودن اصطلاحات «رودخانه بین‌المللی» و «رودخانه‌های فرامرزی» است. در حالی که سوریه و عراق این دو رودخانه را رودخانه‌های بین‌المللی در نظر می‌گیرند، ترکیه ادعا دارد که آن‌ها رودخانه‌های فرامرزی هستند و تنها پس از به‌هم پیوستن این دو رود و تشکیل اروندرود به یک رودخانه بین‌المللی تبدیل می‌شوند. از دیدگاه ترکیه، رودخانه بین‌المللی، رودی است که یک مرز را بین دو یا چند کشور ایجاد می‌کند و این دو رودخانه تازمانی که از مرز ترکیه عبور نکرده‌اند، تحت حاکمیت انحصاری آن کشور قرار دارند. تفکیک رودخانه‌های بین‌المللی و فرامرزی توسط ترکیه، مبتنی بر استنباطی است که حقوق و تکالیف متفاوت ناشی از این اصطلاحات را به همراه دارد. در حالی که رودخانه‌های بین‌المللی از طریق خط میانی یا تالوگ تقسیم می‌شوند، رودخانه‌های مرزی باید به روشی منصفانه و متعارف بهره‌برداری شوند. استفاده از اصطلاحات مختلف در توصیف دجله و فرات، مانعی برای همکاری بوده و انطباق این حوضه را با قوانین بین‌المللی دشوار می‌کند. قوانین مختلف موجود نیز با هر دو نوع آبراهه برخورد مشابهی کرده و تمایزی بین آن‌ها قائل نیست؛ برای مثال، قواعد هلسنیکی از اصطلاح فرامرزی برای هر دو نوع رودخانه استفاده می‌کند، بدون اینکه بین آن‌ها تفاوتی قائل شود. کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز که بارها این دو اصطلاح را به کار برده، برای آن دو معنای یکسانی در نظر گرفته است. تعریف کنوانسیون آبراهه‌های بین‌المللی مصوب ۱۹۹۷ از آبراه بین‌المللی، بیانگر درستی استنباط دولت‌های پایین دست (عراق و سوریه) است؛ زیرا، هنگامی یک آبراهه بین‌المللی به‌شمار می‌آید که بخشی از آن در کشورهای گوناگون واقع شده باشد. دجله و فرات مصداق این تعریف است.



نگه داشته و 58 درصد آن را به سمت عراق بفرستد (Shamout, 2015, 27). دوره چهارم، از سال 2000 به این سو را دربر می گیرد. در طول سال های 2000 تا 2010 روابط بین سه کشور بهبود پیدا کرد. در سال 2001، ترکیه و سوریه، توافق نامه ای را در راستای تقویت روابط، افزایش گفت و گوهای بین طرفین، و ایجاد سازوکاری برای هماهنگ کردن فعالیت های دو کشور امضا کردند. در این توافق نامه، همکاری فنی بین دو طرف قید شد که این همکاری ها در بردارنده برنامه های آموزشی، شناسایی، برنامه ریزی و اجرای طرح های مشترک و برنامه های تبادل اطلاعات بود. دو سال بعد نیز پروتکلی برای مشخص کردن فعالیت های دو طرف این توافق نامه امضا شد^{۳۷}. در سال 2002، سوریه و عراق توافق نامه بنیان گذاری یک ایستگاه پمپاژ در سوریه بر روی رودخانه دجله را امضا کردند. در این توافق نامه، مقدار آب مورد نیاز برای برداشت، مسائل مربوط به کیفیت آب، و سازوکار حل اختلافات مشخص شده است. در سال 2008، با تشکیل شوراهای همکاری راهبردی بلندپایه، همکاری میان کشورهای ترکیه، سوریه، و عراق در مسائل آبی و اقتصادی افزایش یافت. نخستین شورای همکاری راهبردی بلندپایه در 10 ژوئیه 2008 بین ترکیه و عراق شکل گرفت و نخستین نشست وزرا، در تاریخ 17 و 18 سپتامبر 2009 در استانبول برگزار شد. در پایان این نشست، یک توافق نامه همکاری راهبردی بین وزیران امور خارجه ترکیه و عراق امضا شد. در این توافق، مقرر شد که جلسه شورای همکاری راهبردی، دست کم یک بار در سال با حضور نخست وزیران دو کشور، دست کم سه بار در سال با حضور وزیران، و چهار بار در سال با حضور هیئت های فنی برگزار شود (Kibaroglu, 2019). در جلسه شورای همکاری های راهبردی بلندپایه بین ترکیه و عراق در تاریخ 15 اکتبر 2009، 48 موافقت نامه بین دو کشور امضا شد که یکی از آنها (یادداشت تفاهم نامه بین وزارت محیط زیست و جنگل بانی ترکیه و وزارت منابع آب عراق) در مورد مسائل آبی بود. هدف از امضای این تفاهم نامه، تقویت روابط دوستانه بین دو کشور و تقویت همکاری برای مدیریت منابع آب بر پایه انصاف و منافع متقابل بود. افزون بر این، کاهش تأمین آب به رسمیت شناخته شده و افزایش مصرف آب و تغییرات اقلیمی، به عنوان دلایل این وضعیت غیر مطلوب مطرح شدند. همچنین، هر دو کشور بر ضرورت برگزاری جلسه های کمیته فنی مشترک سه جانبه برای مقابله با این چالش ها تأکید کردند. به همین ترتیب، شورای همکاری راهبردی دو جانبه بین ترکیه و سوریه در تاریخ 22 تا 23 دسامبر 2009 در دمشق و دو جلسه نیز در حلب و غازی عینتاب برگزار شد. در این جلسه ها، که با حضور وزیر محیط زیست ترکیه، وزیر آبیاری سوریه، و کمیسیونی متشکل از کارشناسان و دیپلمات های هر یک از کشورها برگزار شد، 50 تفاهم نامه تهیه گردید (Kibaroglu and Scheumann, 2013, 292). چهار مورد از این 50 تفاهم نامه به مسائل آب مربوط می شد. نخستین تفاهم نامه، مربوط به ایجاد یک ایستگاه پمپاژ در سوریه

برای خروج آب از دجله بود که بر پایه آن، ترکیه ساخت قسمتی از ایستگاه پمپاژ را در بخشی از دجله در سرزمین‌های سوریه پذیرفت. تفاهم‌نامه دیگری نیز در راستای بهبود کیفیت آب امضا شد که در آن، هردو طرف، اهمیت رویکرد توسعه پایدار برای حفاظت از کمیت و کیفیت آب را پذیرفتند. هدف از این تفاهم‌نامه، همکاری علمی، فنی، و فناوری برای بهبود حفاظت از کیفیت آب به منظور سلامتی و رفاه حوضه عنوان شد که ماده 2 این تفاهم‌نامه، زمینه‌های همکاری طرفین را مشخص کرده و ماده 3 آن، روش‌های همکاری در زمینه‌های مشخص شده را تعریف کرده است. همچنین، تفاهم‌نامه‌ای نیز در راستای استفاده مؤثر از منابع آب و تعدیل خشکسالی در 23 سپتامبر 2009 بین ترکیه و سوریه امضا شد و به این دلیل که بسیاری از مفاهیم مدرن همکاری را دربر می‌گرفت، یکی از بهترین تفاهم‌نامه‌های طراحی شده در تاریخ حوضه بود. بخش اصلی این تفاهم‌نامه به اقدامات لازم برای کاهش اثرات خشکسالی مربوط می‌شد و برای نخستین بار در یک متن قانونی به پدیده تغییر اقلیم اشاره شد (Kirschner and Tiroch, 2012, 351-358). اما با توجه به شروع جنگ‌های داخلی در سوریه و عراق از سال 2010، این دو کشور از مسائل آبی دور شده و ترکیه به ساخت طرح‌های سدسازی خود ادامه داد و بهره‌برداری از یکی از بزرگ‌ترین سدهای خود به نام «ایلسو» را شروع کرد.

به طور کلی، استفاده نامناسب از آب، در پیش گرفتن سیاست‌های ضعیف در مدیریت و استفاده از منابع آبی، فقدان اطلاعات حیاتی مربوط به منابع آب و خشکی، و شبکه‌های نامناسب تأمین آب، نشان می‌دهد که آب دجله و فرات باید در چارچوبی جامع و نظام‌مند بر مبنای نیاز طرف‌ها تقسیم شود. برآورد نیاز طرف‌ها، مستلزم به کارگیری روش‌های علمی، از جمله انجام مطالعاتی درباره منابع آبی و خشکی، گردآوری، تحلیل، و تأیید اطلاعات دقیق مرتبط با کیفیت خاک، نمک، جریان‌های سیل آسا، و بارش است (Kibaroglu and Unver, 2000, 323). یکی از دستاوردهای مهم منطقه، نهاد «ابتکار همکاری دجله و فرات»²⁸ به عنوان سازمانی برای تقویت همکاری‌های منطقه‌ای در چارچوب توسعه پایدار است؛ هرچند این نهاد، الگوی همکاری خاص یا فرمولی برای تقسیم آب ندارد (Kibaroglu, 2008, 193).

۳. تعهد به ارزیابی آثار زیست‌محیطی²⁹

تعهد به ارزیابی اثر زیست‌محیطی، ریشه در تعهد عرفی به مراقبت مقتضی و تکلیف به احتیاط و پیشگیری دارد و تعهد اخیر نیز ناشی از تعهد عرفی به ایجاد نکردن زیان عمده فرامرزی است. تحلیل قوانین داخلی دولت‌های کناره حوضه دجله و فرات نشان می‌دهد که این کشورها از ارزیابی اثرات زیست‌محیطی به عنوان ابزار قانونی نظارت استفاده می‌کنند و به جز قانون سوریه که بر توجه به اثرات فرامرزی تأکید می‌کند، قوانین دولت‌های دیگر در این باره سکوت کرده‌اند.

28 . Euphrates-Tigris Initiative for Cooperation (ETIC)

29 . Environmental Impact Evaluation

همچنین، دولت‌های ساحلی، عضو معاهده چندجانبه‌ای نیستند تا ارزیابی اثرات زیست محیطی بر حوضه دجله و فرات را امکان پذیر کند.

۱-۳. منبع تعهد به ارزیابی زیست محیطی

تعهد به ارزیابی اثر زیست محیطی، که نخست در قوانین داخلی دولت‌ها مطرح شده بود، به تدریج به اسناد بین‌المللی، از جمله اصل 21 اعلامیه استکهلم، ماده 206 کنوانسیون حقوق دریاها، اصل 17 اعلامیه ریو، ماده 14 کنوانسیون تنوع زیستی، ماده 12 کنوانسیون آبراهه‌های بین‌المللی، ماده 7 پیش نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل درباره پیشگیری از آسیب‌های فرامرزی ناشی از فعالیت خطرناک، و از همه مهم‌تر، در کنوانسیون مربوط به ارزیابی اثر زیست محیطی در بستر فرامرزی (اسپو) راه یافت.

دیوان بین‌المللی دادگستری، در بند 204 از قضیه خمیر کاغذ، تعهد به ارزیابی اثر زیست محیطی را تعهدی ناشی از حقوق بین‌الملل عام به‌شمار آورده است؛ در حالی که محتوا و گستره این تعهد را دارای این وصف و مصداق التزام عرفی نمی‌داند.

در قضیه نیکاراگوئه علیه کاستاریکا، «دیوان، یادآور می‌شود که تعهد یک دولت به تلاش در راستای جلوگیری از خسارت‌های فرامرزی قابل توجه، آن کشور را ملزم می‌کند که پیش از انجام اقداماتی که احتمال دارد به محیط زیست کشور دیگری خسارت وارد کند، مشخص کند که آیا خطر خسارت فرامرزی قابل توجه وجود دارد یا خیر». در ادامه، دیوان اظهار می‌دارد: «ارزیابی پیشین خطرات ناشی از فعالیت، یکی از راه‌هایی است که یک کشور به وسیله آن می‌تواند مشخص کند که آیا فعالیت پیشنهاد شده، خسارت فرامرزی عمده‌ای دارد یا خیر». دیوان تأکید کرد که در این قضیه «کاستاریکا هیچ مدرکی مبنی بر انجام ارزیابی پیشین ارائه نکرده است». به نظر بسیاری از حقوق دانان، دیوان بین‌المللی دادگستری در این رأی، مهر تأییدی بر عرفی بودن این تعهد زده است (Rashidi et al., 2021).

متن کنوانسیون رامسر درباره ارزیابی اثرات زیست محیطی، تعهدی را مشخص نکرده است، اما مانند موارد دیگر، کنفرانس طرف‌ها در این زمینه نقش مهمی داشته و قطعنامه‌هایی را در این باره تصویب کرده است. قطعنامه XII.2 کنفرانس طرف‌ها، اعضا را ملزم می‌کند که برای اجرای نظام مند ارزیابی‌های جریان زیست محیطی به گونه‌ای مقتضی اقدام کنند تا از پیامدهای اجتماعی-اقتصادی و اکولوژیکی ناشی از ایجاد سدهای بزرگ بر تالاب‌ها کاسته شود و آن‌ها را ملزم می‌کند که ایجاد مراکز کارشناسی درخوری را برای انجام ارزیابی‌های جریان زیست محیطی و اجرای آن، ترغیب کنند و در راستای انجام این وظیفه، باید دستورالعمل‌های مربوط به تخصیص و مدیریت آب را برای حفظ کارکردهای زیست محیطی تالاب‌ها (قطعنامه VIII.1) اجرا کنند.

در نشست سال 1999 کنفرانس طرف‌ها، این نهاد از طرف‌ها خواست که با تقویت و



تحکیم تلاش‌های خود، تضمین کنند که هرگونه طرح، برنامه، یا خط‌مشی دارای قابلیت تغییر ویژگی اکولوژیکی تالاب‌های رامسر یا دارای اثرات منفی بر تالاب‌های دیگر واقع در قلمروشان، مشمول رویه‌های ارزیابی اثرات زیست‌محیطی است و چنین رویه‌هایی، بر پایه ترتیبات سیاست‌گذاری، قانونی، نهادی، و سازمانی، رسمیت می‌یابند. افزون‌براین، طرف‌ها را تشویق می‌کند که تضمین کنند: (1) رویه‌های ارزیابی اثرات، در پی شناسایی ارزش‌های واقعی زیست‌بوم‌های تالابی هستند؛ (2) امکان گنجاندن این ارزش‌های زیست‌محیطی، اقتصادی، و اجتماعی را در فرایندهای تصمیم‌گیری و مدیریتی خود فراهم می‌کنند؛ (3) فرایندهای ارزیابی اثرات مرتبط با تالاب‌ها، به‌شیوه‌ای شفاف و مشارکتی، که دربرگیرنده‌ی ذی‌نفعان محلی است، انجام می‌شوند.^{۳۰} همچنین، از طرف‌های دارای تالاب‌ها و حوضه‌های آبریز رودخانه‌ی مشترک خواسته شده است که در پی رویکردهای مشارکتی برای ارزیابی اثرات زیست‌محیطی با کشورهای همسایه باشند.^{۳۱}

در نشست سال 2002 نیز، طرف‌ها ملزم شدند که به‌گونه‌ای شایسته از «دستورالعمل‌های مرتبط با گنجاندن مسائل مربوط به تنوع زیستی در مقررات یا فرایندهای ارزیابی اثرات زیست‌محیطی و ارزیابی زیست‌محیطی راهبردی» استفاده کنند.^{۳۲} در این دستورالعمل‌ها، مؤلفه‌های بنیادین ارزیابی اثرات زیست‌محیطی تبیین شده‌اند.^{۳۳}

۲-۳. مفهوم تعهد به ارزیابی زیست‌محیطی

به‌موجب سند اهداف و اصول ارزیابی اثر زیست‌محیطی مصوب برنامه‌ی محیط زیست سازمان ملل متحد، ارزیابی اثر زیست‌محیطی، «به‌معنای بررسی، تحلیل و ارزیابی فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده با توجه به توسعه‌ی زیست‌محیطی سالم و پایدار» است. زمان ارزیابی، معمولاً پیش از صدور مجوز برای فعالیت پیشنهادی است، اما ممکن است این ارزیابی در مراحل گوناگون اجرای طرح نیز ضرورت داشته باشد. دیوان بین‌المللی دادگستری، در رأی خمیر کاغذ، تأکید کرده است که در صورت نیاز، در تمام دوره‌ی اجرای طرح، نظارت پیوسته‌ای بر آثار آن بر محیط زیست انجام شود.

کنوانسیون «اسپو» اثر را به «هرگونه پیامد یک فعالیت پیشنهادی بر محیط زیست، از جمله بهداشت و امنیت انسان، منابع گیاهی و حیوانی، هوا، آب، اقلیم، چشم‌انداز طبیعی، یادمان‌های تاریخی یا ساختارهای فیزیکی دیگر یا فعل و انفعال میان این عوامل و نیز بر میراث فرهنگی

30 . Res VII.16, The Ramsar Convention and impact assessment: strategic, environmental and social, 7th Meeting of the Conference of the Contracting Parties to the Convention on Wetlands (Ramsar, Iran, 1971), San José, Costa Rica, 10-18 May 1999, paras 10-12, p.2.

31 . Ibid., para 14, p.2. also refer to Resolution VII.18 and Resolution VII.19.

32 . Res VIII.9, Guidelines for incorporating biodiversity-related issues into environmental impact assessment legislation and/or processes and in strategic environmental assessment, "Wetlands: water, life, and culture" 8th Meeting of the Conference of the Contracting Parties to the Convention on Wetlands (Ramsar, Iran, 1971) Valencia, Spain, 18-26 November 2002, para 10, p.2.

33 . Annex to Res VIII.9, para 1, p.5.



یا اوضاع اجتماعی-اقتصادی ناشی از دست کاری این عوامل» اطلاق می کند. همچنین، اثر فرامرزی را به معنای «هرگونه اثری که تنها ماهیت جهانی ندارد و در محدوده منطقه تحت صلاحیت یکی از طرفین و ناشی از فعالیت پیشنهادی، که مبدأ فیزیکی آن به طور کلی یا جزئی در محدوده منطقه تحت صلاحیت طرف دیگر قرار گرفته است» می داند. کمیسیون حقوق بین الملل، اثر قابل ملاحظه را چیزی بیش از اثر قابل مشاهده می داند، اما رسیدن به سطح جدی یا اساسی را لازم نمی داند.

در مورد احتمالی بودن آثار باید گفت، لازم نیست که اثر مورد نظر بر محیط زیست ثابت شود، بلکه درصدی از احتمال نیز برای تعهد به ارزیابی زیست محیطی کافی است و لازم است که اصل احتیاط اعمال شود. دیوان بین المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه علیه کاستاریکا این گونه نظر داد که ممکن بود ساخت جاده توسط کاستاریکا، خسارت های فرامرزی چشمگیری در پی داشته باشد؛ بنابراین، معیار ایجاد تعهد به ارزیابی اثرات زیست محیطی طرح ساخت جاده مشخص شده است. دیوان در بند 205 رأی خود در مورد قضیه خمیر کاغذ، درباره محتوا و گستره تعهد به ارزیابی زیست محیطی، با توجه به عدم عضویت دو کشور در کنوانسیون «اسپو» و الزام آور نبودن اصول و اهداف «یونپ»، بر این نظر است که: «به عهده هر دولتی است که در قوانین داخلی خود یا در فرایند صدور مجوز برای طرح ها، محتوای خاص ارزیابی زیست محیطی را در هر مورد و با توجه به ماهیت و گستره برنامه پیشنهادی و اثر منفی احتمالی آن بر محیط زیست و همچنین، ضرورت مراقبت کافی در انجام چنین ارزیابی ای مشخص کند». همچنین، دیوان در بند 157 از رأی صادر شده در دعوی کاستاریکا در مقابل نیکاراگوئه می گوید: «استناد به قوانین داخلی، بر لزوم ارزیابی اثرات زیست محیطی، تأثیری ندارد و این ادعا که، در قوانین کاستاریکا در شرایط اضطراری امکان معافیت از تعهد وجود دارد، بر تعهد کاستاریکا به انجام ارزیابی اثرات زیست محیطی طبق حقوق بین الملل تأثیری ندارد³⁴». صرف عدم رعایت تعهد به ارزیابی اثر زیست محیطی، نقض تعهد به مراقبت مقتضی به شمار می آید؛ هر چند به ورود زیان منجر نشده باشد. البته، چون لازمه تحقق مسئولیت بین المللی، ورود ضرر است، در چنین فرضی، طرح مسئولیت بین المللی دولت از بابت نقض تعهد، منتفی است. در مقابل، در صورتی که دولتی به ارزیابی اثر زیست محیطی اقدام کرده باشد و اجرای فعالیت پیشنهاد شده به زیان فرامرزی منتهی نشود، حتی اگر بعداً آن فعالیت موجب ورود زیان های پیش بینی نشده شود، هنوز آن دولت به تعهد خود مبنی بر مراقبت مقتضی پایبند بوده است (Knox, 2002, 292).

کمیسیون حقوق بین الملل، در شرح خود بر مواد 7 و 8 کنوانسیون پیشگیری از آسیب های

34 . Certain Activities Carried Out by Nicaragua in the Border Area (Costa Rica v. Nicaragua) and Construction of a Road in Costa Rica along the San Juan River (Nicaragua v. Costa Rica), Judgment, I.C.J. Reports 2015, p. 665, para. 157.

فرامرزی ناشی از فعالیت خطرناک، مقرر کرده است: «تعیین محتوای ارزیابی باید به قوانین داخلی دولتی که ارزیابی را انجام می‌دهد، سپرده شود؛ هرچند، برپایه ماده 7، این ارزیابی باید دربردارنده سنجش اثر آسیب‌زای فرامرزی احتمالی فعالیت باشد...» و همچنین، «باید دربردارنده اثرات فعالیت، نه تنها بر اشخاص و اموال، بلکه بر محیط زیست دولت‌های دیگر نیز باشد. اهمیت حفاظت از محیط زیست، فارغ از هرگونه آسیب به افراد انسانی یا اموال، شناسایی شده است»³⁵.

۳-۳. تعهد به ارزیابی زیست‌محیطی در حوضه دجله و فرات

ارزیابی اثرات زیست‌محیطی، ابزاری است تا در مرحله مطالعه و طراحی سدهای بزرگ از احداث سدهایی که برای محیط زیست آثار زیان‌باری دارند، خودداری شود یا دست کم آثار زیان‌بار آن‌ها کاهش یابد. همچنین، در مراحل بعدی سدسازی، یعنی مراحل برنامه‌ریزی ساخت و عملیاتی‌سازی آن، ارزیابی پیامدهای زیست‌محیطی برای پرهیز از آثار زیان‌بار انجام می‌شود. افزون‌بر سدسازی، لازم است که در اقدامات مرتبط دیگر (مانند استفاده از منابع آب‌های زیرزمینی و کانال‌های آب‌رسانی) نیز ارزیابی اثرات زیست‌محیطی انجام شود. در ادامه تلاش کرده‌ایم با بررسی مقررات و اقدامات کشورهای حوضه آبریز دجله و فرات و ارون‌درو، میزان پایبندی دولت‌های مجاور را به ارزیابی اثرات زیست‌محیطی واکاوی کنیم. در ترکیه، نخستین بار، الزامات ارزیابی اثرات زیست‌محیطی در قانون 2872/1983 مشخص شد³⁶. در راستای اعمال ماده 10 این قانون، وزارت محیط زیست و جنگل‌داری ترکیه، نظام‌نامه مربوط به ارزیابی اثرات زیست‌محیطی را صادر کرد³⁷ که جزئیات الزامات و روش‌های ارزیابی اثرات زیست‌محیطی را مشخص کرده است³⁸. برپایه بند 1 ماده 5 نظام‌نامه، وزارت محیط زیست و جنگل‌داری، صلاحیت دارد که تصمیم بگیرد، آیا ارزیابی اثرات زیست‌محیطی برای تصویب و تأیید یک اقدام پیشنهادی لازم است یا خیر، و اگر پاسخ مثبت باشد، آیا برپایه نتایج ارزیابی‌های انجام‌شده، اقدام پیشنهادی به‌لحاظ زیست‌محیطی مقرون‌به‌صرفه است یا خیر؟ (Kibaroglu et al, 2011: 139).

البته شیوه ارزیابی اثرات زیست‌محیطی مشخص شده در نظام‌نامه، آثار فرامرزی را لازم ندانسته است. بخش «(3) ضمیمه (3)» نظام‌نامه مقرر داشته است که در ارزیابی اثرات زیست‌محیطی باید جزئیات آثار زیست‌محیطی اقدام پیشنهادشده مشخص شود. در نظام‌نامه، فهرست موضوع‌هایی که باید به‌لحاظ زیست‌محیطی ارزیابی شوند، بسیار کلی است و ممکن است

35 . Report of ILC on its 53rd Session, pp. 158-159

36 . Environment Law, Law No. 2872 of 1983, published in: 18132 Official Gazette of the Republic of Turkey (11 August 2008).

37 . By-law on Environmental Impact Assessment of 1993, last amended in 2008, published in: 26939 Official Gazette of the Republic of Turkey (17 July 2008).

38 . DSI, Turkey Water Report (2009).

به گونه‌ای تفسیر شود که تأثیرات فرامرزی را نیز در برگیرد؛ اما رویه مقامات ترکیه نشان می‌دهد که آنان به سبب عدم صراحت نظام‌نامه درباره تأثیرات فرامرزی، آن را به قلمرو ترکیه محدود کرده‌اند.

قانون شماره 50/2002 در سوریه، اثرات زیست‌محیطی را به تفصیل ارزیابی نکرده و تنها بند «5» ماده «4» آن تأکید کرده است که الزامات و شیوه‌های ارزیابی اثرات زیست‌محیطی باید تنظیم شود. بر همین اساس، وزارت محیط زیست سوریه، فرمان 225/2008 را صادر کرد. به موجب بند «1» ماده «3» این فرمان، ارزیابی اثرات زیست‌محیطی برای اقدامات گنجانده شده در پیوست یک آن فرمان، الزامی است. در پیوست یک، ارزیابی اثرات زیست‌محیطی برای برخی اقدامات، از جمله سدها، طرح‌های مدیریت آبیاری و زه‌کشی، و نیروگاه‌های برق‌آبی اجباری است؛ لیکن، برخلاف قانون ترکیه، فرمان وزارت محیط زیست سوریه، قلمرو ارزیابی اثرات زیست‌محیطی را مشخص نکرده است. در این فرمان از مشارکت عمومی مردم سوریه در ارزیابی اثرات زیست‌محیطی و دریافت داده‌ها و اطلاعات از عموم مردم آن کشور سخن گفته شده است؛ لیکن، ماده 14 این فرمان، پیامدهای فرامرزی اقدامات را در نظر گرفته و مقرر داشته است که زمانی که یک اقدام پیشنهادی، دارای تأثیرات فرامرزی قابل توجه احتمالی باشد، کمیسیون عمومی امور زیست‌محیطی ملزم است، جزئیات اقدام پیشنهادی را به کشورهای در معرض آسیب احتمالی ارائه، و اطلاعات لازم را در این باره منتقل کند. گفتنی است، میزان توجه مقامات دارای صلاحیت اداری به پیامدهای فرامرزی اقدامات پیشنهادی هنگام تصمیم‌گیری، مبهم است و نمی‌توان رعایت ارزیابی زیست‌محیطی را در عمل به گونه‌ای مشخص سنجید.

قانون فدرال 27/2009، قانون اصلی عراق درباره حفاظت از محیط زیست است³⁹. به موجب ماده 10 این قانون، ارزیابی اثرات زیست‌محیطی پیش از اقداماتی که ممکن است تأثیرات قابل توجهی بر محیط زیست داشته باشد، انجام می‌شود. این قانون، درباره اثرات زیست‌محیطی فرامرزی ساکت است و در عمل، به دلیل کلی و مبهم بودن قانون فدرال و تصویب نشدن قانونی که الزامات و روش‌های ارزیابی اثرات زیست‌محیطی را به تفصیل بیان کند، ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی، قابل سنجش نیست. در منطقه کردستان عراق نیز هر چند قانون 8/2008 درباره حفاظت از محیط زیست تصویب شده و به وزیر محیط زیست منطقه کردستان، اختیار داده شده است که از اشخاص متقاضی فعالیت‌های مؤثر بر زیست‌بوم بخواهد که تأثیرات احتمالی زیست‌محیطی را بررسی کنند، اما به دلیل فقدان مقرراتی که الزامات و روش‌های ارزیابی اثرات زیست‌محیطی را به روشنی بیان کند، و نیز فقدان رویه‌های اداری مستند، نمی‌توان از رعایت

39. Law for the Improvement and Protection of the Environment, Federal Law No. 27 of 2009, published in: 4142 Official Gazette of the Republic of Iraq.



تعهد ارزیابی زیست محیطی اطمینان یافت.

در ایران، حفاظت از محیط زیست در بردارنده قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب 1353 است. بر پایه ماده (1) این سند، سازمان محیط زیست، مقام ناظر بر ارزیابی اثرات زیست محیطی است. الزامات و روش های ویژه ارزیابی اثرات زیست محیطی در قالب دستورالعمل هایی بیان شده است. به موجب این دستورالعمل ها، هرگونه اقدام یافعالیتی که ممکن است دارای اثر زیست محیطی چشمگیری باشد، تنها پس از ارزیابی پیامدهای زیست محیطی آن تصویب می شود. این ارزیابی، مراحل ساخت و عملیاتی اقدام پیشنهادی را دربر می گیرد. همچنین، ارزیابی اثرات زیست محیطی باید اثرات زیست فیزیکی، اجتماعی، و فرهنگی اقدام پیشنهادی و نیز پیامدهای این اقدام را بر گونه های گیاهی و جانوری و زیست گاه ها بررسی کند.

تحلیل قوانین داخلی دولت های کناره حوضه دجله و فرات نشان می دهد که این کشورها از ارزیابی اثرات زیست محیطی، به عنوان ابزار قانونی نظارت استفاده می کنند و به جز قانون سوریه که بر توجه به اثرات فرامرزی تأکید دارد، قوانین دولت های دیگر در این باره ساکت هستند. همچنین، دولت های ساحلی، عضو معاهده چند جانبه نیستند؛ از این رو، ارزیابی کامل اثرات زیست محیطی بر حوضه دجله و فرات امکان پذیر نیست. در واقع، ایران، عراق، سوریه، و ترکیه، طرف معاهدات جهانی (مانند کنوانسیون چارچوب سازمان ملل درباره تغییر اقلیم⁴⁰ و کنوانسیون تنوع زیستی⁴¹) هستند و سوریه و ترکیه (کنوانسیون بارسلونا و پروتکل های آن⁴²) و نیز ایران (کنوانسیون تهران⁴³) طرف معاهدات منطقه ای هستند که مقررات ارزیابی اثرات زیست محیطی را نیز دربر می گیرد. باین حال، معاهدات منطقه ای، تنها در مورد حوضه های جغرافیایی مشخصی (حوضه دریای مدیترانه و دریای خزر) اعمال می شوند. بخش «الف» بند «1» ماده «14» کنوانسیون تنوع زیستی، خواهان اعمال روش های ارزیابی اثرات زیست محیطی برای اقداماتی است که احتمال دارد دارای تأثیرات ویرانگر چشمگیری بر تنوع زیستی باشند و بند «2» ماده «4» کنوانسیون سازمان ملل درباره تغییر اقلیم نیز دولت ها را ملزم به در نظر گرفتن ملاحظات تغییر اقلیم در خط مشی های اجتماعی، اقتصادی، و زیست محیطی شان می کند که باید ارزیابی اثرات را دربر گیرد. البته، هیچ یک از معاهدات، اثرات فرامرزی ای را که باید در ارزیابی اثرات زیست محیطی در نظر گرفته شوند، مشخص نمی کند.

40 . United Nations Framework Convention on Climate Change (New York, 9 May 1992; in force 21 March 1994).

41 . Convention on Biological Diversity (Rio de Janeiro, 5 June 1992; in force 29 December 1993) ('CBD').

42 . Convention for the Protection of the Mediterranean Sea against Pollution (Barcelona, 16 February 1976; in force 12 February 1978) ('Barcelona Convention').

43 . Framework Convention for the Protection of the Marine Environment of the Caspian Sea (Tehran, 4 November 2003; in force 12 August 2006).

۴. تعهد به اطلاع‌رسانی، مشورت، و تبادل آمار و اطلاعات

تعهد به اطلاع‌رسانی، مشورت، و تبادل آمار و اطلاعات، افزون بر پذیرفته شدن در کنوانسیون‌های بین‌المللی، در موافقت‌نامه‌های دوجانبه بین برخی از کشورهای حوضه دجله و فرات نیز موضوع توافق بوده است. تجزیه و تحلیل بیش از 200 معاهده بین‌المللی آبی نشان می‌دهد که 40 درصد این موافقت‌نامه‌ها، در بردارنده قواعدی درباره تبادل اطلاعات هستند. تعهد شکلی به اطلاع‌رسانی، مشورت، و تبادل داده‌ها با تعهد ماهوی به آسیب نرساندن عمده، مرتبط است و یکی از اقداماتی که می‌تواند به عنوان اقدام ضروری و مقتضی برای پیشگیری از زیان عمده در نظر گرفته شود، اجرای تعهد اطلاع‌رسانی درباره موقعیت‌هایی است که ممکن است سبب ورود زیان شود. همچنین، به اشتراک گذاشتن برآیند هرگونه ارزیابی اثرات زیست‌محیطی، مصداقی از اجرای تعهد به اطلاع‌رسانی است که می‌تواند در پرهیز از ورود زیان عمده مؤثر باشد.

۴-۱. منابع تعهد به اطلاع‌رسانی، مشورت، و تبادل آمار و اطلاعات

اصل شکلی اطلاع‌رسانی قبلی می‌تواند با ایجاد بستر مناسب برای تبادل اطلاعات درباره طرح مورد بحث، در کاهش یا جلوگیری از ایجاد اختلاف‌ها مؤثر باشد. اطلاع‌رسانی قبلی، نه تنها یکی از اصول حقوق بین‌الملل آب، بلکه مسیری برای تحقق دیپلماسی آب است (Schmeier, 683, 2020-685). تعهد به اطلاع‌رسانی، مشورت، و تبادل آمار و اطلاعات، افزون بر پذیرفته شدن در کنوانسیون‌های بین‌المللی، در موافقت‌های دوجانبه بین برخی از کشورهای حوضه دجله و فرات نیز موضوع توافق بوده است. در رویه قضایی بین‌المللی نیز، در برخی از دعاوی مربوط به رودخانه‌های فرامرزی، به این تعهدات دولت‌های کناره استناد شده است.

قاعده تبادل منظم داده‌ها و اطلاعات در کمیسیون حقوق بین‌الملل مطرح شد و این کمیسیون بر نیاز به دسترسی و تبادل داده‌ها و اطلاعات برای مدیریت مؤثر آبراه، تأکید کرد. در ماده «9» بخش سوم کنوانسیون 1997 آبراه‌های سازمان ملل متحد، بر ضرورت اطلاع‌رسانی به دولت‌های کناره، پیش از انجام اقدامات برنامه‌ریزی شده، اشاره شده است.

کنفرانس طرف‌های کنوانسیون رامسر، ضمن تصدیق اینکه کمیسیون جهانی سدها، فرایندی غیردولتی است و مصوبات آن الزام‌آور نیست، طرف‌ها را ترغیب می‌کند که از اطلاعات کمیسیون یادشده برای هدایت فرایندهای محلی و ملی تخصیص منابع آب به منظور در نظر گرفتن تالاب‌ها هنگام تصمیم‌گیری درباره سدهای بزرگ استفاده کنند. همچنین، براساس قطعنامه هشتمین نشست کنفرانس طرف‌ها، دولت‌های عضو ملزم به سازمان‌دهی و تقویت مشارکت جوامع محلی و مردم بومی در مدیریت تالاب‌ها هنگام طراحی و اجرای طرح‌های سدسازی هستند. یکی از الزامات دیگر این است که در راستای بند «2» ماده «3» کنوانسیون، قطعنامه یادشده، طرف‌ها را ملزم می‌کند که دفتر رامسر را از سدهایی که ویژگی اکولوژیکی



سایت‌های رامسر را تغییر داده‌اند، یا در حال تغییر آن هستند، یا احتمال بروز تغییر در آن‌ها وجود دارد، آگاه کنند و درباره پیامدهای سدسازی بر تالاب‌ها در قلمرو خود، گزارشی ارائه کنند. افزون‌براین، ماده 5 کنوانسیون رامسر، تکلیف مشورت بین طرف‌ها را هنگام اجرای تعهدات ماهوی یادشده، به‌ویژه هنگام مدیریت تالاب‌های فرامرزی یا سیستم‌های آبی مشترک، مشخص کرده است. از این لحاظ، کنوانسیون با اصل مسلم و قابل اجرای حقوق بین‌الملل درباره آبراه‌های بین‌المللی و منابع مشترک دیگر، هماهنگ است. افزون‌براین، ماده «5» تأکید می‌کند که طرف‌ها باید تلاش‌های کلی‌تری را برای هماهنگ‌سازی و حمایت از خط‌مشی‌ها و قوانین مربوط به تالاب‌ها انجام دهند.

دیوان داوری، در دعوای فرانسه و اسپانیا در قضیه دریاچه لانو، این‌گونه نظر داد که ضرورتی نداشته است که دولت فرانسه، پیش از شروع عملیات انحراف بخشی از آب دریاچه لانو به سوی دره آتلانتیک، از دولت اسپانیا اجازه بگیرد؛ زیرا، اعتقاد به لزوم کسب اجازه از اسپانیا به‌منزله شناسایی حق وتوی بی‌قید و شرط برای این کشور و به‌معنای انصراف فرانسه از حاکمیت سرزمینی‌اش بوده است؛ اما دولت فرانسه، وظیفه داشته است که همسایه خود، اسپانیا، را از برنامه‌های مورد نظرش آگاه کند و چون فرانسه در تعهد دوگانه خود، مبنی بر آگاه‌سازی دولت هم‌کرانه خویش و در نظر داشتن منافع اسپانیا در بهره‌برداری از دریاچه لانو، کوتاهی نکرده است و اسپانیا نتوانسته است ورود زیان عمده به منافع خود را ثابت کند، دعوای اسپانیا مردود اعلام می‌شود (81, 1995, Momtaz-82).

دیوان بین‌المللی دادگستری، در بند «106» از قضیه کاستاریکا علیه نیکاراگوئه، تأیید کرده است که در حقوق بین‌الملل عام، نوعی تعهد به اطلاع‌رسانی و مشورت با کشوری که ممکن است از فعالیت‌های خطرناک منجر به خسارت‌های فرامرزی زیان ببیند، وجود دارد. در ادامه دیوان اظهار داشته است که هرچند در معاهده 1858 میان دو کشور، تعهدات محدودی درباره اطلاع‌رسانی و مشورت وجود دارد، لیکن، مفاد معاهده دوجانبه نمی‌تواند محدودیتی را برای اجرای تعهدات شکلی مربوط به آثار فرامرزی موجود در معاهدات بین‌المللی یا حقوق بین‌الملل عرفی ایجاد کند (بند 108). همچنین، دیوان بین‌المللی دادگستری به این نکته مهم اشاره می‌کند که اگر ارزیابی اثرات زیست‌محیطی نشان دهد که خطر ورود خسارت فرامرزی چشمگیری وجود دارد، کشور مسئول این‌گونه اقدامات خطرناک باید درباره انجام اقدامات مناسب برای جلوگیری یا کاهش این‌گونه خطرات به کشوری که احتمال دارد آسیب ببیند (درباره اجرای تعهداتش مبنی بر تلاش برای جلوگیری از خسارت‌های فرامرزی قابل توجه) اطلاع داده و با این کشور مشورت کند؛ اگرچه لازم نیست که الزام به اطلاع‌رسانی و مشورت در این قضیه بررسی شود؛ زیرا، به دیوان ثابت شده است که کاستاریکا به تعهدات خود بر پایه حقوق بین‌الملل عام (در ارزیابی اثرات زیست‌محیطی پیش از احداث جاده) عمل نکرده است

(بند 168). به بیان روشن‌تر، تعهد به اطلاع‌رسانی و مشورت، مسبوق و وابسته به تعهد به ارزیابی اثرات زیست‌محیطی است.

هرچند دولت‌های کناره رودخانه‌های دجله و فرات (ترکیه، عراق، سوریه، و ایران) معاهده چهارجانبه‌ای که در بردارنده تعهد به اطلاع‌رسانی، مشورت، و تبادل آمار و اطلاعات درباره این حوضه باشد، منعقد نکرده‌اند و این مسئله برای منافع مشترک چهار کشور، پیامدهای منفی‌ای دارد، لیکن، بین برخی از این کشورها، توافق‌های دوجانبه‌ای وجود دارد که به این تعهد تصریح کرده‌اند.

در سال 1946، عراق و ترکیه معاهده دوستی و حسن همسایگی را امضا کردند⁴⁴. به موجب این معاهده، ترکیه موظف شد که ایستگاه‌های نظارتی دائمی را برای اطمینان از عملکرد و نگهداری آثار حفاظتی راه‌اندازی کرده و به گونه‌ای منظم، نتایج اندازه‌گیری‌ها را برای مقامات عراقی ارسال کند. همچنین، ترکیه موظف شد که درباره هرگونه طرح حفاظتی خود بر روی دجله و فرات با عراق مشورت کند. همچنین، تاجایی که امکان دارد، این طرح‌های حفاظتی باید با منافع هر دو طرف سازگار باشند. یکی دیگر از جنبه‌های مهم معاهده این است که بر اهمیت همکاری، به اشتراک‌گذاری اطلاعات، و نیاز به مشاوره برای نفع متقابل دو کشور تأکید می‌کند. با وجود این، هیچ استانداردی برای این همکاری وجود ندارد (Kirschner and Tiroch, 2012, 370).

در 25 ژوئیه 2003، پروتکلی بین ترکیه و سوریه به منظور اجرای فعالیت‌های پیش‌بینی شده در بیانه مشترکی که در سال 2001 منتشر شده بود، امضا شد. در این پروتکل، طرح‌ها، برنامه‌ها، و فعالیت‌ها مشخص شدند تا اجرایی شوند. به طور خاص، برگزاری چهار برنامه آموزشی، شامل (1) مدیریت آبیاری مشارکتی در گپ؛ (2) توسعه آب به گونه‌ای یکپارچه (3) زنان و جوانان در توسعه: تجربه گپ؛ (4) چرخه پروژه: برنامه‌ریزی، طراحی، و اجرای طرح‌های توسعه روستایی و کشاورزی، در آن برنامه‌ریزی شده بود.

دولت جمهوری ترکیه و دولت جمهوری عربی سوریه در 23 سپتامبر 2009، تفاهم‌نامه‌ای را در زمینه استفاده مؤثر از منابع آب و مبارزه با خشکسالی امضا کردند. این تفاهم‌نامه، دارای 9 ماده بود که در ماده «1» آن، به لزوم همکاری از طریق انتقال دانش، تجربه و همکاری به گونه‌ای منصفانه، به منظور استفاده مؤثر از منابع آب و مبارزه با خشکسالی، اشاره شده و گفته شده است که هر دو طرف باید برای جست‌وجوی منابع مالی در دسترس، به منظور تأمین منابع مالی مورد نیاز برای استفاده مؤثر از منابع آب و تعدیل خشکسالی از طریق اجرای فناوری‌های جدید، تلاش کنند (Kirschner and Tiroch, 2012, 373). در ماده «2» زمینه‌های همکاری بین طرفین

44 . United Nation (1946). Treaty of Friendship and Neighborly Relations between Iraq and Turkey, Collection of Treaties. No. 580, 281-331.



مشخص شده است که از جمله شامل اشتراک گذاری اطلاعات و داده‌ها و تبادل تجربه‌ها در موارد فنی پرشماری می‌شود.

هرچند بسیاری از حقوقدانان، تردید جدی دارند که تبادل منظم اطلاعات در میان دولت‌های کناره آبراهه فرامرزی، و رای موافقت‌نامه‌های دوجانبه یا چندجانبه، وجود حقوقی داشته باشد، اما به نظر می‌رسد با توجه به اینکه تعهد به اطلاع‌رسانی و مشورت و تبادل داده‌ها در کنوانسیون‌های بین‌المللی پرشماری پذیرفته شده و در رویه قضایی بین‌المللی به آن استناد شده است و در بسیاری از توافق‌نامه‌های منعقدشده میان دولت‌های کناره، از جمله دولت‌های واقع در حوضه دجله و فرات، بیان شده است، باید پذیریم که به اشتراک گذاشتن داده‌ها از طریق اطلاع‌رسانی و مشورت، با هدف پرهیز از زیان عمده و کاهش آن، مانند موارد اضطراری و اقدامات برنامه‌ریزی شده، تشکیل دهنده بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی است.

۲-۴. مفهوم تعهد به اطلاع‌رسانی، مشورت، و تبادل آمار و اطلاعات

هدف اصلی اطلاع‌رسانی پیشینی و مشورت، توسعه استفاده از آب‌های فرامرزی، حفظ روابط هماهنگ میان دولت‌های ساحلی، و جلوگیری از پیامدهای ویرانگر فرامرزی است. دولت‌های کناره رودخانه‌های فرامرزی، برای رسیدن به دو هدف بهره‌برداری منصفانه و متعارف و عدم آسیب‌رسانی عمده، حفظ تعهد عمومی به همکاری را به عهده دارند. در همین راستا، وظیفه دارند درباره آمار و اطلاعات مربوط به وضعیت طبیعی و جغرافیایی و کمیت و کیفیت آب و حوضه آبریز، اطلاع‌رسانی و با کشورهای دیگر کناره مشورت کرده و آمار و اطلاعات مربوط به آن را مبادله کنند. اصول تعهد به اطلاع‌رسانی، مشورت، و تبادل آمار و اطلاعات بیانگر این است که اگر اقدامات برنامه‌ریزی شده یک دولت کناره، پیامدهای احتمالی زیان‌بار عمده‌ای برای کشورهای دیگر کناره آبراهه بین‌المللی داشته باشد، آن دولت متعهد است که برنامه‌های خود را به موقع به کشورهای دیگر کناره اعلام کند. چنانچه کشورهای کناره، پس از اطلاع، بر این نظر باشند که برنامه‌های گفته‌شده با الزامات بهره‌برداری منصفانه و متعارف از آبراهه‌های بین‌المللی و پایبندی به عدم آسیب‌رسانی عمده، مغایر است، فرایند همکاری و مشورت برای رسیدن به راه‌حل دنبال می‌شود؛ زیرا، تعهد شکلی به اطلاع‌رسانی و مشورت و تبادل داده‌ها و اطلاعات، با تعهد به بهره‌برداری منصفانه و متعارف، ارتباط نزدیکی دارد. بهره‌برداری منصفانه و متعارف زمانی امکان‌پذیر می‌شود که یک دولت کناره در استفاده و توسعه منابع آبی مشترک در قلمرو خود، منافع دولت‌های دیگر کناره را نیز در نظر بگیرد. اما ضوابط استفاده منصفانه و متعارف مبتنی بر تعدادی از معیارها و عوامل است و بدون داشتن داده‌ها و تبادل اطلاعات مربوط به حوضه آبریز مشترک، اجرای اصل بهره‌برداری منصفانه و متعارف دشوار خواهد بود؛ به عنوان مثال، چگونه یک دولت کناره می‌تواند بدون آگاهی از موقعیت اقتصادی و اجتماعی و نیازهای مردم دولت‌های دیگر کناره و جمعیت آن ادعا کند که بهره‌برداری اش

منصفانه است (Tignino, 2021, 189-191). تعهد شکلی به اطلاع‌رسانی، مشورت، و تبادل داده‌ها با تعهد ماهوی به آسیب نرساندن عمده مرتبط است و یکی از اقداماتی که می‌تواند به‌عنوان اقدام ضروری و مقتضی در پیشگیری از زیان عمده در نظر گرفته شود، اجرای تعهد به اطلاع‌رسانی در مورد موقعیت‌هایی است که ممکن است سبب ورود زیان شود. همچنین، به‌اشتراک گذاشتن براینده هرگونه ارزیابی اثرات زیست‌محیطی، مصداقی از اجرای تعهد به اطلاع‌رسانی است که می‌تواند در پرهیز از ورود زیان عمده، مؤثر باشد.

هدف از اطلاع‌رسانی این است که دولت‌های کناره به‌اندازه کافی آگاه شوند تا بتوانند اثرات احتمالی زیست‌محیطی اقدامات دولت دیگر را به‌درستی ارزیابی کنند. این تعهد، متقابل است؛ به این معنا که هم در مورد دولت‌های بالادست و هم دولت‌های پایین‌دست اعمال می‌شود. افزون‌بر الزام به اطلاع‌رسانی، دولت‌ها باید به‌گونه‌ای منظم، آمار و اطلاعات مربوط به وضعیت جریان آب را با یکدیگر مبادله کنند؛ زیرا، بدون چنین آمار و اطلاعاتی، ارزیابی استفاده از آب دشوار خواهد شد.

به‌اشتراک گذاشتن اطلاعات کلیدی هیدرو-هواشناختی از طریق سازمان‌های بین‌المللی‌ای مانند سازمان جهانی هواشناسی، به امری مرسوم و متعارف تبدیل شده است. برخی دولت‌ها و سازمان‌ها، طیف گسترده‌ای از داده‌ها را در اختیار عموم گذاشته‌اند و ارائه‌کنندگان خدمات عمومی و خصوصی، اطلاعات مفصل‌تر و دقیق‌تری را به درخواست یا به‌گونه‌ای متقابل ارائه می‌کنند. افزون‌بر این، تعداد روبه‌افزایشی از دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، پایگاه‌های اطلاعاتی عمومی در دسترس را ایجاد کرده‌اند که این اطلاعات، نه تنها برای تقویت خود آن‌ها، بلکه برای تقویت توان پیش‌بینی و برنامه‌ریزی دولت‌های دیگر به کار می‌روند.

تبادل داده‌ها و اطلاعات، یک اقدام مشارکتی است که از طریق آن، تمام دولت‌های درگیر در مسئله از کسب اطلاعات درباره ماهیت هیدرولوژیکی، هواشناختی، هیدروژئولوژیکی، و اکولوژیکی آبراه مشترک و نیز کیفیت آبی که ممکن است بر منافع کاربری مربوط به آن‌ها تأثیر بگذارد، بهره‌مند می‌شوند. این اطلاعات، ظرفیت مدیریت و برنامه‌ریزی درباره کاربری‌های جاری و آتی از منابع مشترک و نیز پیش‌بینی خطرانی مانند سیلاب‌ها را افزایش می‌دهد.

تعهد به تبادل داده‌ها، تنها به اطلاعات مرتبط با کمیت آب (میزان بارش، تبخیر، جریان آب، متوسط سرعت، و برداشت آب) محدود نمی‌شود و به گردآوری و تبادل داده‌ها درباره کیفیت آب، بیماری‌های ناشی از آن، و اطلاعات مربوط به حفاظت زیست‌محیطی از یک آبراه بین‌المللی نیز تسری می‌یابد. گفتنی است، در مقررات بین‌المللی و معاهدات، تکلیف تبادل داده‌ها، با عبارت‌هایی کلی بیان شده و مصداق‌ها و جزئیات گردآوری و تبادل داده‌ها، بر پایه نیاز ویژه دولت‌ها، به خودشان واگذار شده است.

رویه دولت‌ها در مورد ضوابط مربوط به تبادل منظم داده‌ها و اطلاعات، یکسان نیست.



برخی معاهدات، مانند معاهده آب‌های ایندوس، توصیف مشخصی از نوع داده‌هایی که باید به اشتراک گذاشته شوند و شیوه انجام این کار ارائه می‌دهند؛ درحالی که در برخی دیگر، مانند موافقت‌نامه همکاری رودخانه مکونگ، چنین تفسیری وجود ندارد و تعیین ویژگی‌های الزامات تبادل داده‌ها را از طریق قواعد و تصمیم‌های جزئی‌تر به زمان دیگری موکول می‌کنند؛ بنابراین، کمیسیون حقوق بین‌الملل، قاعده گنجانده‌شده در ماده «9» مبنی بر الزام تبادل داده‌ها و اطلاعات را تدوین کرد تا دست کم الزامات عمومی را برای تضمین دسترسی دولت‌ها به اطلاعات ضروری (به‌منظور رعایت اصل کلی بهره‌برداری منصفانه و متعارف)، مشخص و از این طریق، ارتباط نزدیک میان اصول کلی حقوق بین‌الملل آب و اهمیت دسترسی به مجموعه داده‌های کافی را به‌منظور مدیریت متغیر هیدرولوژیکی ای که معمولاً آبراه‌ها در معرض آن هستند، تأیید کند.

۳-۴. ارزیابی تعهد به اطلاع‌رسانی، مشورت، و تبادل آمار و اطلاعات در حوضه دجله و فرات در معاهده دوستی و حسن همسایگی مصوب 1946 بین دو کشور ترکیه و عراق که دارای چند پروتکل بود و پروتکل شماره «1» آن، به تنظیم آب‌های رودخانه‌های دجله و فرات و شاخه‌های آن مربوط می‌شد، طرفین درباره نظارت مشترک به اشتراک‌گذاری داده‌ها، همکاری فنی، اخطار پیشین، و مذاکره، به توافق رسیدند. به‌موجب این توافق‌نامه، ترکیه باید همه اطلاعات لازم، دسترسی، امکانات و تسهیلات، و کمک‌های موردنیاز را به کارشناسان عراقی ارائه دهد و همچنین، اطمینان دهد که کارشناسان ترکیه‌ای با کارشناسان عراقی همکاری می‌کنند. همچنین، ترکیه موظف شد که ایستگاه‌های مشاهداتی دائمی را برای اطمینان از عملکرد و نگهداری این آثار حفاظتی، راه‌اندازی کرده و نتایج اندازه‌گیری‌ها را به‌گونه‌ای منظم برای مقامات مربوطه عراقی ارسال کند. افزون‌براین، دولت ترکیه، به‌طورکلی هرگونه آثار حفاظتی دیگر در خاک ترکیه را با این شرط که این آثار در نتیجه مطالعات انجام‌شده توسط کارشناسان هردو کشور، ضروری تشخیص داده شود، به‌طورکلی پذیرفته است. باین‌حال، این آثار باید تابع یک توافق‌نامه جداگانه باشند. سرانجام، ترکیه موظف شد که در مورد هرگونه طرح حفاظتی ترکیه بر روی رودخانه‌های دجله و فرات با عراق مشورت کند. همچنین، این طرح‌های حفاظتی باید تا حد امکان با منافع هردو طرف، سازگار باشند (Kirschner and Tiroch, 2012, 373).

نتیجه‌گیری

تعهدات شکلی، مقدمه‌ای برای اجرای تعهدات ماهوی هستند و نمی‌توان تعهدات شکلی و ماهوی را به‌طور کامل از یکدیگر تفکیک کرد. اجرای تعهدات شکلی، حرکت در مسیری است که هدف آن، بهره‌برداری منصفانه و متعارف و عدم آسیب‌رسانی عمده است. به‌این ترتیب، میان تعهد عمومی همکاری دولت‌های کناره آبراهه فرامرزی با تعهد بهره‌برداری

منصفانه و متعارف و پرهیز از ورود زیان عمده، ارتباط نزدیکی وجود دارد. تعهد دولت‌های کناره حوضه به همکاری، افزون بر اینکه از جمله قواعد عرفی حقوق بین الملل به شمار می آید، در برخی کنوانسیون‌ها و اسناد بین المللی و توافق‌های دوجانبه نیز مطرح و مصداق‌های آن مشخص شده است.

تعهد به ارزیابی پیامدهای زیست محیطی، ریشه در تعهد عرفی به مراقبت مقتضی و تکلیف به احتیاط و پیشگیری دارد و تعهد اخیر نیز ناشی از تعهد عرفی به عدم ایجاد زیان عمده فرامرزی است. تنها عدم رعایت تعهد به ارزیابی پیامدهای زیست محیطی، نقض تعهد به مراقبت مقتضی به شمار می آید؛ هرچند سبب ورود زیان نشده باشد.

در حقوق بین الملل عام، به تعهد به اطلاع رسانی و مشورت با کشوری که ممکن است از فعالیت‌های دارای خطر خسارت‌های فرامرزی آسیب ببیند، اشاره شده است. دولت‌های کناره باید به گونه‌ای منظم، داده‌ها و اطلاعات موجود درباره شرایط آبراهه (به ویژه اطلاعات مربوط به ماهیت هیدرولوژیکی، هواشناختی، و اکولوژیکی و داده‌های مربوط به کیفیت آب و نیز پیش‌بینی‌های مربوط به آن) را به اشتراک بگذارند. تعهد شکلی به اطلاع رسانی و مشورت و تبادل داده‌ها و اطلاعات با تعهد به بهره‌برداری منصفانه و متعارف، ارتباط نزدیکی دارد. اصول تعهد به اطلاع رسانی، مشورت، و تبادل آمار و اطلاعات، بیانگر این است که اگر اقدامات برنامه‌ریزی شده یک دولت کناره، پیامدهای احتمالی زیان‌بار عمده‌ای برای کشورهای دیگر کناره آبراهه بین المللی داشته باشد، آن دولت موظف است برنامه‌های خود را به موقع به کشورهای دیگر کناره اطلاع دهد.

هرچند این تردید وجود دارد که تبادل منظم داده‌ها و اطلاعات در میان دولت‌های کناره آبراهه فرامرزی، و رای موافقت‌نامه‌های دوجانبه یا چندجانبه، وجود حقوقی داشته باشد، اما با توجه به اینکه تعهد به اطلاع رسانی و مشورت و تبادل داده‌ها در کنوانسیون‌های بین المللی و رویه‌های قضایی بین المللی پرشماری پذیرفته شده و در بسیاری از توافق‌نامه‌های منعقد شده میان دولت‌های کناره، از جمله دولت‌های واقع در حوضه دجله و فرات، به تکرار بیان شده است، باید پذیرفت که به اشتراک گذاشتن داده‌ها از طریق اطلاع رسانی و مشورت، با هدف پرهیز از زیان عمده و کاهش آن، مانند موارد اضطراری و اقدامات برنامه‌ریزی شده، تشکیل دهنده بخشی از حقوق بین الملل عرفی است.

رویکرد دولت‌های کناره در بهره‌برداری از منابع حوضه دجله و فرات، سبب مذاکرات و همکاری‌های دوجانبه‌ای شده است که به لحاظ ارتباط میان قدرت‌ها و نیز نظریه رژیم بین المللی، قابل مطالعه است. از بعد همکاری، حوضه دجله و فرات، نیازمند دستورالعملی برای انجام مذاکرات در راستای مدیریت و استفاده منصفانه و منطقی از آب است. بی تردید، این مذاکرات، زمانی انجام شده و نتیجه‌بخش خواهند بود که همه دولت‌های ساحلی و حتی

بازیگران غیردولتی (نمایندگان کردستان عراق) در آن نقش مؤثری داشته باشند و هدف از آن، تنها تقسیم آب حوضه نباشد؛ زیرا، مسلم است که تنها تقسیم آب دجله و فرات، سبب ارائه فرمولی برای استفاده منصفانه و متعارف دولت‌های ساحلی از این حوضه نمی‌شود و موضوع‌های مهمی از جمله استفاده پایدار، مدیریت منابع آبی موجود، و پاسخ طولانی‌مدت به کمبود آب را دربر نمی‌گیرد.



References

- Agreement between Argentina and Brazil entered into in New York, September 29, 1972. LAMMERS, p. 295.
- Akbari, Narges; Mashhadi, Ali & Kazemi, Hossein. (2021). The Legal Aspects of Helmand River Utilization. Public law Research, Vol. 22, No. 68, 291-325. DOI: 10.22054/qjpl.2019.37210.1987. (in Persian).
- By-law on Environmental Impact Assessment of 1993, last amended in 2008, published in: 26939 Official Gazette of the Republic of Turkey.
- Certain Activities Carried Out by Nicaragua in the Border Area (Costa Rica v. Nicaragua), I.C.J. Reports 2015.
- Conde, Gilberto. (2016). Water and Counter-Hegemony: Kurdish Struggle in the Tigris and Euphrates in Turkey. Revista de Paz y Conflictos, Vol. 9, N. 2, 43-58. DOI: 10.30827/revpaz.v9i2.5319.
- Convention establishing the Organization for the Development of the Senegal River (OMVS) (1972).
- Convention for the Protection of the Mediterranean Sea against Pollution (Barcelona, 16 February 1976).
- Convention on Biological Diversity (CBD).
- Convention on the Law of the Non-navigational Uses of International Watercourses (1997)
- Environment Law, Law No. 2872 of 1983, published in: 18132 Official Gazette of the Republic of Turkey (11 August 2008).
- Framework Convention for the Protection of the Marine Environment of the Caspian Sea (Tehran, 4 November 2003; in force 12 August 2006).
- Gabcikovo-Nagymaros Project (Hungary/Oslovakia), ICJ, Reports 1997.
- Guidelines and other Support for International Cooperation under the Ramsar Convention on Wetlands. Ramsar handbook for the Wise use of Wetlands, 4th edition, vol. 20. Ramsar Convention Secretariat, Gland, Switzerland, 2010.
- Implementation Document of Joint Communiqué (Programme for 2003) (25 July 2003).
- Kibaroglu, Aysegul & Unver, Oclay. (2000). An Institutional Framework for Facilitating Cooperation in the Euphrates-Tigris River Basin. International Negotiation: A Journal of Theory and Practice, Vol. 5, N. 2, 311-330. DOI: 10.1163/ 15718060020848785.
- Kibaroglu, Aysegul. (2008). The Role of Epistemic Communities in Offering New Cooperation Frameworks in the Euphrates-Tigris Rivers System. Journal of International Affairs, Vol. 61, N. 2, 183-198.



۱۲۶

پژوهشنامه ایرانی
سیاست بین الملل

دوره ۱۱، شماره ۲، شماره
پیاپی ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲

Kibaroglu, Aysegul. (2015). Water-Energy-Food nexus in a Transboundary Context: the Euphrates-Tigris River Basin as a Case Study. *Water International*, Vol. 40. 824-838. DOI: 10.1080/02508060.2015.1078577.

Kibaroglu, Aysegul. (2019). State-of-the-art Review of Transboundary Water Governance in the Euphrates-Tigris River Basin. *International Journal of Water Resources Development*, Vol. 35, No. 1, 4-29. DOI: 10.1080/07900627.2017.1408458.

Kibaroglu, Aysegul. (2021). *Turkey's Water Diplomacy: Analysis of its Foundations, Challenges and Prospects*. London: Anthem Press.

Kibaroglu, Aysegul; Kramer, Annika; Scheumann, Waltina. (2011). *Turkey's Water Policy: National Framework and International Cooperation*. Heidelberg; New York: Springer.

Kibaroglu, Aysegul; Scheumann, Waltina. (2013). Evolution of the Transboundary Politics in the Euphrates-Tigris River System: New Perspective and Political Challenges. *Global Governance*, Vol. 19, No. 2, 279-305. DOI: 10.1163/19426720-01902008.

Kirschner, Adele J.& Tiroch, Katrin. (2012). The Waters of Euphrates and Tigris: An International Law Perspective. *Max Planck Yearbook of United Nations Law*, Vol. 16, 329-394.

Knox, John H. (2002). The Myth and Reality of Transboundary Environmental Impact Assessment. *The American Journal of International Law*, Vol. 96, N. 2, 291-319. DOI: 10.2307/2693925.

Law for the Improvement and Protection of the Environment, Federal Law No. 27 of 2009, published in: 4142 Official Gazette of the Republic of Iraq.

McCaffrey, Stephen C. (2019). *The Law of International Watercourses* (3rd Edition). Sydney: Oxford University Press.

Mianabadi, Hojjat; Amini, Azam. (2019). Complexity of Water, Politics, and Environment in the Euphrates and Tigris River Basins. *International Quarterly of Geopolitics*, Vol. 15, No. 54, 54-86. DOI: 20.1001.1.17354331.1398.15.54.3.6

Momtaz, Jamshid. (1995). International Legal System of Waterways and Water Resources in the Middle East. *International Law Review*, Vol. 13, No. 18-19, 41-88. DOI: 10.22066/CILAMAG.1995.18294.

MOX Plant (Ireland v. United Kingdom), International Tribunal for the Law of the Sea, 2001.

Piltan, Farzad & Sedigh Bathaei Asl, Mirebrahim. (2017). *Principles and Mechanisms of Environmental Cooperation Between Iran and Its Neighbors*

in the Areas of Common Rivers Waters. *The Socio Cultural Strategy Journal*, Vol. 5, No. 21, 91-122.

Poorhashemi, Seyed Abbas; Zarei, Sahar & Khalatbari, Yalda. (2013). The Cooperation Principle in International Environmental Law. *Journal of Public Law*, Vol. 15, No. 39, 61-90.

Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina/Uruguay), ICJ, Reports 2010.

Rashidi, Mahnaz; Rastegar, Azadeh; Mashhadi, Ali. (2021). The Source of the Obligation to Transboundary Environmental Impact Assessment in Turkey Gap Project. *Contemporary Comparative Legal Studies*, Vol. 12, No. 22, 117-144. DOI: 10.22034/law.2021.12956.

Res VII.16, The Ramsar Convention and impact assessment: strategic, environmental and social, 7th Meeting of the Conference of the Contracting Parties to the Convention on Wetlands (Ramsar, Iran, 1971), San José, Costa Rica, 10-18 May 1999.

Resolution VIII.9, Guidelines for Incorporating Biodiversity-Related Issues into Environmental Impact Assessment Legislation and/or Processes and in Strategic Environmental Assessment, "Wetlands: Water, Life, and Culture". 8th Meeting of the Conference of the Contracting Parties to the Convention on Wetlands (Ramsar, Iran, 1971). Valencia, Spain, 18-26 November 2002.

Schmeier, Susanne. (2020). Prior Notification of Planned Measures: A Response to the No-Harm Dilemma?. *International Environmental Agreements: Politics, Law and Economics*, Vol. 20, 683-698. DOI: 10.1007/s10784-020-09505-4.

Shamout, M. Nawwar. (2015). The Euphrates in Crisis Channels of Cooperation for a Threatened River. *Journal of the Royal Institute of International Affairs*, April 2015, 2-45.

Tehran Ministerial Declaration on Combating Sand and Dust Storms, 5 July 2017.

The Joint Rivers Commission was established in March, 1972 From: *Oxford Public International Law* (<http://opil.ouplaw.com>).

Tignino, Mara. (2021). Prior Notification and Water Rights. *AJIL*, Vol. 115, 189-94. DOI: 10.1017/aju.2021.23.

Trail Smelter (United States of America/Canada), R.I.A.A. vol. 3, (16 April 1938 and 11 March 1941).

Treaty for Amazonian Cooperation, Brasilia, July 3, 1978, 17 ILM p. 1046 (1978).

Treaty of Friendship and Neighborly Relations between Iraq and Turkey, Collection of Treaties. No. 580, 281-331.



۱۲۸

پژوهشنامه ایرانی
سیاست بین الملل

دوره ۱۱، شماره ۲، شماره
پیاپی ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲

United Nations Convention to Combat Desertification (UNCCD).

United Nations Framework Convention on Climate Change (New York, 9 May 1992).

Zarei, Sahar; Poorhashemi, Seyed Abbas & Pournouri, Mansour. (2017). Development of International Environmental Law in the Light of International Judicial Judgements and Precedents. *Journal of Environmental Science and Technology*, Vol. 19, No. 3, 195-216.

